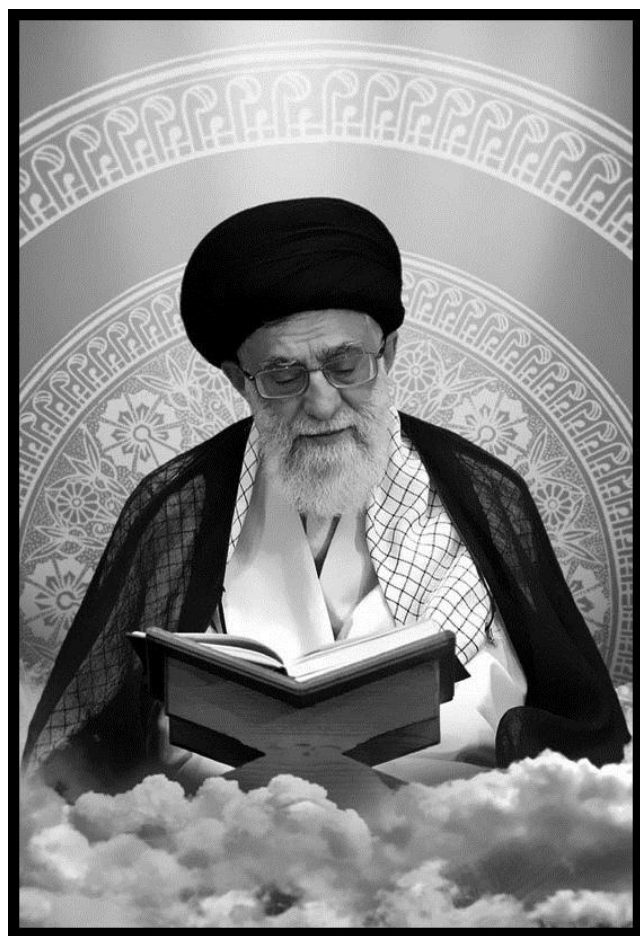


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ﴾

«کتاب پربرکتی را بر تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبّر کنند». ص / ۲۹



**فهمیدن مفاهیم قرآن، فهمیدن ترجمه کلمه به کلمه قرآن،  
برای کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند، لازم است.**

مقام معظم رهبری

تقدیم به ساحت مقدس:

امین اسرار وحی و باب فیوضاتِ الهی

حامل اسرار حضرت رسول ﷺ

نورهدایت، جانشین اوصیا، امام به حق،

حضرت محمد بن علی التّقیؑ



چاپ این کتاب، بدون پرداخت حق التالیف

با هماهنگی مؤلف، برای تمامی ناشرین،

نهادها و مؤسسات آموزشی آزاد است؛

مشروط به اینکه قیمت پشت جلد، کمتر

از دو برابر قیمت تمام شده باشد.

قم، شیخ علی میبوی - شماره همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹

**آشنایی**  
**با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم**  
**آیات منتخب «اصول عقائد»**

تهیه و تنظیم: شیخ علی حسینی



## پیش‌گفتار

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾<sup>۱</sup>

«ما آن (کتاب) را به صورت قرآن (قابل خواندن و به زبان) عربی (فصیح و شیوا) نازل کردیم تا (به خوبی درک کنید و در آن) اندیشه کنید».

کتابی که برای هدایت همگان نازل گشته، باید به زبان جهانی سخن بگوید تا همگان از معارف آن بهره‌مند شوند.

انسان‌ها گرچه در لغت و ادبیات از یکدیگر بیگانه‌اند، اما در فرهنگ انسانی که همان فرهنگِ فطرتِ پایدار و تغییر ناپذیر است، با هم مشترکند، و قرآن کریم با همین فرهنگ با انسان‌ها سخن می‌گوید؛ مخاطب آن فطرت انسان‌هاست و رسالت آن شکوفا کردن فطرت‌هاست و از این رو زبانش برای همگان آشنا و فهمش میسر عموم بشر است.<sup>۲</sup>

اما این سخن به آن معنا نیست که این کتاب آسمانی، در چهره نازل خود، لباس زبان خاصی را بر تن نکرده باشد، زیرا روشن است که معارف قرآن کریم در چهره لغت و ادبیات عرب بر انسان‌ها نمودار شده است.

انتخاب زبان عرب (به شهادت اهل تحقیق)، به خاطر وسعت این زبان است که می‌تواند ترجمان زبان وحی باشد و مفاهیم و ریزه‌کاری‌های سخنان خدا را بازگو کند.<sup>۳</sup>

---

۱. یوسف / ۲.

۲. تفسیر تسنیم / ۱ / ۳۲.

۳. تفسیر نمونه / ۹ / ۳۰۰.

بنابراین تنها راه ارتباط مستقیم با متن قرآن، فهم و یادگیری لغت و زبان عربی است که زبان قرآن می‌باشد و از همین روست که امام صادق علیه السلام همگان را به فراگیری این زبان، دعوت نموده است:

«تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ خَلْقَهُ»<sup>۱</sup>

فرا گیرید زبان عربی را، زیرا زبانی است که خداوند به وسیله آن با خلق خویش سخن گفته است.

بنابراین بر تمامی مسلمانان لازم است، این زبان را به عنوان زبان دوم خود بیاموزند، تا در سایه فهم کلام وحی و تدبیر در آن بتوانند زمینه عمل به دستوراتش را فراهم سازند.

کتابی را که در پیش رو دارید، گامی است در جهت تحقق آرزوی کسانی است که می‌خواهند با ترجمه و مفاهیم آیات قرآن کریم آشنا شوند.

سعی ما بر این است که در کنار آشنایی با ترجمه آیات (که دارای کلمات پرکاربرد می‌باشد) با قواعد زبان عرب به عنوان کلید فهم آیات، و با انتخاب آیات مربوط به «خداشناسی، نبوت، امامت و معاد» با فشرده‌ای از «اصول عقائد» که وظیفه هر مسلمان، آشنایی آگاهانه با آنهاست نیز آشنا شویم.

در پایان تذکر این نکته را لازم می‌دانم که بیشتر آیات و مضامین اعتقادی این نوشته از کتاب «پیام قرآن» نوشته استاد ارجمند ما حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام عزه) استفاده شده است؛ عزیزانی که علاقمند به آشنایی بیشتر با آیات و مضامین عمیق تر اعتقادی می‌باشد به این کتاب (که مجموعاً ده جلد می‌باشد) مراجعه فرمایند.

۱. الخصال، شیخ صدوق (باب الاربعه، حدیث ۱۳۴).

## سخنی با قرآن آموزان

هر درس این کتاب، از بخش‌های مختلفی تشکیل یافته که توضیح مختصر هر یک، به شرح زیر است:

۱ - آشنایی با معانی و مفاهیم کلماتی که در آیات درس، به کار رفته است، قرآن‌آموزان عزیز باید آنها را به خاطر سپرده و حفظ نمایند تا در ترجمه آیات و عبارات درس و درس‌های آینده با مشکلی مواجه نشوند؛

۲ - آیات و عبارات قرآنی که از لغات درس و درس‌های گذشته می‌باشد، دربرگیرنده مفهوم جدیدی در رابطه با «اصول عقائد» است که آشنایی با آن، یکی از وظایف همه مسلمانان می‌باشد؛ قرآن آموزان عزیز نخست باید آنها را به صورت صحیح و روان بخوانند و سپس با توجه به معانی کلمات (که از قبل به خاطر سپرده و حفظ نموده‌اند) به ترجمه تحت اللفظی آنها بپردازند.

«ترجمه تحت اللفظی»، ترجمه کلمه به کلمه می‌باشد که برای آشنایی با ترجمه روان، نخست باید از این روش استفاده نمود و پس از تسلط، به تدریج با ترجمه روان و زیبا آشنا خواهید شد؛ برای نمونه:

لَا	إِلَهَ	إِلَّا	اللَّهُ
نیست	معبودی	مگر	خداوند
قُلْ	هُوَ	اللَّهُ	أَحَدٌ
بگو	اوست	خداوند	یگانه

یادسپاری: برای سهولت در ترجمه کلمات مرکب، نخست آنها را در ذهن خود تفکیک نموده و سپس ترجمه نمایید؛ مانند:

مَا لَكُمْ = مَا + لَ + كُمْ: نیست برای شما.

فَاعْبُدُوهُ = فَ + أَعْبُدُوا + هُ: پس بندگی کنید او را.

### ۳ - آشنایی با مفهوم آیات و عبارات درس

آیات و عبارات انتخاب شده هر درس، در رابطه با اصول اعتقادات می باشد؛ تا قرآن آموزان عزیز، در کنار یادگیری ترجمه اجمالی قرآن، با اصول عقائد نیز آشنا شوند، چرا که وظیفه همه مسلمانان است که اصول عقائد خویش را بشناسند؛

### ۴ - آشنایی با قواعد زبان قرآن

در هر درسی، یکی از قواعد زبان عرب که در فهم بهتر آیات، نقش بسیاری دارند با بیانی ساده، توضیح داده شده است تا کمکی برای قرآن آموزان عزیز باشد در فهم بهتر و آسان تر معانی آیات قرآن؛

### ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

یکی از اصول پایداری محفوظات، «تکرار و تمرین آموخته ها، جهت جلوگیری از فراموش شدن احتمالی می باشد»؛ از این رو در پایان هر درس، آیات جدیدی (با همان کلمات آموزش داده شده) را انتخاب نموده ایم تا با تکرار و تمرین، معانی لغات آموخته شده، کاملاً در ذهن رسوخ کند و به صورت ملکه درآید؛ برای آشنایی بیشتر، در هنگام قرائت قرآن، به معانی کلماتی که به ذهن سپرده اید، توجه فرمایید.



## درس اول

### خداشناسی (توحید)

۱ - معانی کلمات زیرا را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
همانا، حتماً	إِنَّ	معبود (شایسته پرستش)	إِلَه
همانا، فقط	أِنَّمَا، إِنَّمَا	خدا، خداوند (ذات اقدس الهی)	اللَّهِ
مگر، به جز	إِلَّا	پروردگار، مالک	رَبِّ
به، نسبت به	بِ	یکتا و یگانه	وَاحِدٍ، أَحَدٍ
غیر، به جز	غَيْرِ	شما، تان	كُمُ
پس	فَ	ما، ما را، مان	نَا
برای، برای اینکه، باید	لِ	او، آن، ش	هُوَ، هُوَ، وَ
(حرف نفی) نیست، نه	لَا	مَنْ	أَنَا، يَ
ولی، لیکن، اما	لَكِنَّ، لَكِنَّ	می خوانم	أَدْعُوا
نیست	مَا (نافیه)	شریک قرار می دهم	أَشْرِكُ
از	مِنْ	عبادت کنید، بندگی کنید	أَعْبُدُوا
و	وَ	بگو	قُلْ

## ۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (۱۹/۴۷)
۲. وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ (۶۲/۳)
۳. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱/۱۱۲)
۴. إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ (۱۷۱/۴)
۵. قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ (۱۹/۶)
۶. وَالْهِنَا وَالْهُكْمُ وَاحِدٌ (۴۶/۲۹)
۷. إِنَّمَا الْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ (۱۱۰/۱۸)
۸. وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَاحِدٌ (۷۳/۵)
۹. وَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۱۶۳/۲)
۱۰. إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ (۵۱/۳)
۱۱. إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ (۶۴/۴۳)
۱۲. أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (۳/۷)
۱۳. قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ<sup>(۱)</sup> بِهِ أَحَدًا (۲۰/۲۲)
۱۴. لَكِنَّا<sup>(۲)</sup> هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (۳۸/۱۸)

۱. لَا أُشْرِكُ: شریک قرار نمی‌دهم.

۲. لَكِنَّا، در اصل «لَكِنْ أَنَا» بوده.

## ۳ - آشنایی با اصول عقائد

## خداشناسی (توحید)

نخستین اصل از اصول عقائد اسلام، «توحید و شناخت خداوند» است.

«شناخت خداوند»، یکی از احساسات ذاتی و درونی می‌باشد که در اعماق سرشت و جان همه انسان‌هاست، اما گاهی حجاب‌هایی از آداب و رسوم و افکار انحرافی و تعلیمات نادرست، مانع بروز آن می‌شود.

هدف از بعثت انبیاء، برطرف ساختن این حجاب‌ها و شناساندن خدای حقیقی به مردم می‌باشد؛ از این رو قرآن کریم، پیش از هر چیز روی «توحید و یگانگی خداوند» تکیه نموده است و نخستین شعار قرآن، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌باشد و این شعار، پیش از شصت بار با عبارت‌های گوناگون در قرآن کریم، آمده است؛ و پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز دعوتش را با «توحید و یگانگی خداوند» شروع کرد و می‌فرمود: اگر طالب رستگاری هستید، زیر پرچم توحید درآیید، «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا».

«توحید»، یعنی: «یگانه دانستن و یکی شمردن خداوند»؛ یعنی: «یگانگی

ذات خداوند و عدم وجود هرگونه هم‌تا و شبیه برای او».

حداقل توحید از نظر اسلام و قرآن که برای یک فرد مسلمان ضرورت دارد، توحید در ألوهیت و معبودیت است که از کلمه طیبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فهمیده می‌شود. یعنی: هیچ موجودی جز «الله» نیست که جهان و انسان را آفریده باشد، و هیچ موجودی جز «الله» نیست که اختیار وجود جهان در دست قدرت او باشد، و هیچ موجودی جز «الله»، حق فرمان دادن و قانون‌گذاری ندارد مگر به اذن او، و نهایتاً هیچ موجودی جز «الله»، سزاوار پرستش نمی‌باشد.

## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## «دستور زبان عربی»

برای آموختن هر زبانی، نخست باید با «قواعد آن زبان» آشنا شویم؛ این قواعد را در فارسی، «دستور زبان» و در عربی «صرف و نحو» می‌گویند.  
 «زبان»: مجموعه‌ای از «جملات» و عبارات یک قوم است که با آن تکلم می‌کنند.

«جمله»: مجموعه‌ای از «کلمات» است که به یکدیگر نسبت داده شده باشد.

«کلمه»: مجموعه‌ای از «حروف» و یا یک حرف است که دارای معنی باشد.

بنابراین: حروف ← کلمات ← جملات ← زبان.

## حروف زبان قرآن:

حروف و الفبای زبان قرآن (زبان عربی) همان الفبای فارسی است به جز چهار حرف «پ، چ، ژ، گ».

## کلمه شناسی، جمله شناسی

علمی که درباره کلمه شناسی بحث می‌کند «علم صرف» است؛

علمی که درباره جمله شناسی بحث می‌کند «علم نحو» می‌باشد.

قبل از آشنایی با علم نحو، نخست باید خود کلمه و ساختار آن (علم صرف) را بشناسیم.

## تعریف علم صرف

«صرف»، در لغت به معنای: «برگرداندن و تغییر دادن» است؛ و در اصطلاح:

«علمی است که از چگونگی تغییر کلمه به صورت‌های مختلف (برای به

دست آوردن معانی جدید) بحث می‌کند»؛ مانند:

کلمه «نَصَرَ»، (یاری کرد) که می‌شود: «يُنْصِرُ»، (یاری می‌کند)؛ «أَنْصُرُ»، (یاری

کن)؛ «نَاصِرًا»، (یاری کننده)؛ و... که می‌گویند: کلمه «نَصَرَ» صرف شده است.

**فایده علم صرف:**

فایده علم صرف: آشنایی با چگونگی «جمله سازی» و «کلمه شناسی» است. در هر زبانی، بسیاری از کلمات، از کلمه دیگری گرفته می شود؛ مثلاً در فارسی کلمات: «رفتم، رفتی، رفت و...» از ماده «رفتن» گرفته شده اند. در عربی نیز چنین علمی است که عهده دار انجام این تغییرات می باشد و آن «علم صرف» است؛ بنابراین باید «علم صرف را بیاموزیم» تا:

- ۱ - کلمات را بشناسیم؛
- ۲ - به معانی آنها پی ببریم؛
- ۳ - و بتوانیم برای معنای مورد نظر، کلمات مناسب بسازیم.

**موضوع علم صرف**

موضوع علم صرف، «کلمه» است؛ چرا که این علم درباره ساختمان کلمه و تغییرات مربوط به آن بحث می کند و به همین جهت به آن علم «کلمه شناسی» و «کلمه سازی» نیز گفته می شود. در درس آینده با کلمه و اقسام آن، آشنا خواهیم شد.

## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۲۵۵/۲)      وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۷۰/۲۸)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (۴/۳۷)      قُلْ إِنَّمَا هُوَ اللَّهُ وَاحِدٌ (۱۹/۶)

اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ (۱۵/۴۲)      اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۱۰۱/۶)

إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ (۵۴/۷)      قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۳۰/۱۳)

اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ (۳/۱۰)      أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ (۷۲/۵)

فَالْهِكْمَ إِلَهُ وَاحِدٌ (۳۴/۲۲)      إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ (۶۴/۴۲)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت، به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - علم صرف را تعریف نموده و موضوع و فایده آن را بیان فرمایید؛

۴ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث توحید، چه فهمیدید؟ به

صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس دوم

### خداشناسی (ادله توحید)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
آفرید، خلق کرد	خَلَقَ	جمع اله: معبودها،	عَالِهَةٌ
آفریننده، خلق کنند	خَالِق	بعض	بَعْض
رفت	ذَهَبَ	زمین	أَرْض
برتری جست	عَلَا (عُلُو)	جمع: سماء، آسمانها	سَمَوَات
تباه شدند	فَسَدَتَا	چیز	شَيْء
بود، می باشد، است	كَانَ	حکومت و اداره امور	مُلْك
آگاه باشید	أَلَا	کسی که، آن که، که	الَّذِي
(حرف جر) بر، بالای	عَلَى	آنگاه	إِذَا
هر، همه	كُلِّ	آنچه، هر آنچه	مَا (موصوله)
حتماً، قطعاً، برای	لَ	کسی که، هر آن کسی که	مَنْ
اگر	لَوْ	آنها (دو نفر)	هُمَا، هِئَا
با	مَعَ	ایشان، آنان	هُمْ



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید.

۱. اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۶۲/۴۰).
۲. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۳۲/۱۴).
۳. إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۵۴/۷).
۴. فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۷۰/۴).
۵. أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۵۵/۱۰).
۶. أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ (۶۶/۱۰).
۷. اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۶۳/۹).
۸. إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۱۶/۹).
۹. لَهُ الْمُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۱۵۸/۷).
۱۰. أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ (۵۹/۷).
۱۱. لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا (۳۲/۲۱).
۱۲. وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ (۹۱/۲۳).

یادسپاری: وقتی بعد از فعل ماضی، حرب «ب» بیاید، معنای آن، تغییر می یابد، ذَهَبَ، یعنی: رفت؛ ذَهَبَ بَ، یعنی: می برد؛ عَلَا، یعنی: برتری جست؛ عَلَابَ، یعنی: برتری می جست.



## ۳ - آشنایی با اصول عقائد

## خداشناسی (ادله توحید)

خداوند در قرآن می‌فرماید: «اگر در آسمان و زمین، خدایان و معبودهایی جز «الله» وجود داشت، نظم جهان برهم می‌خورد و آسمان و زمین فاسد و ویران می‌شدند»، چرا که هر کدام از آنها می‌خواهد نظمی مطابق خواست و اراده خودش بر جهان ایجاد کند ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾.

دلیل فوق با بیان امام صادق علیه السلام در پاسخ مرد بی‌ایمان (در زمینه توحید) روشن‌تر می‌شود: «هنگامی که مشاهده می‌کنیم آفرینش منظم است و ستارگان در مدارهای خود در حرکتند و تدبیر جهان واحد است، و شب و روز و خورشید و ماه بر اساس برنامه منظمی گردش دارند، این سلامت تدبیر و به هم پیوستگی امور، نشان می‌دهد که اداره کننده آنها یکی است»<sup>۱</sup>.

دلیل دیگر بر توحید این است: «اگر در جهان هستی، خدایان و معبودهایی جز «الله» وجود داشت، می‌بایست هر یک از خدایان، مخلوقات خویش را تحت تدبیر و تصرف ویژه خودش قرار می‌داد، و نظام‌های مختلف و قوانین ناهماهنگی بر جهان حاکم می‌گشت و سبب از هم گسیختگی وحدت و ناموزونی عالم می‌شد. ﴿إِذَا لَدَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ﴾ و یا هر کدام برای گسترش قلمرو حکومت خود، سعی می‌کرد بر دیگری برتری جوید ﴿وَلَعَلَىٰ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾، در این صورت نظم جهانی به هم می‌خورد ولی از آنجا که ما هیچ ناهماهنگی و ناموزونی در این جهان و قوانین حاکم بر آن نمی‌بینیم، درک می‌کنیم که از مبدأ واحدی سرچشمه گرفته و به وسیله خالق یکتایی آفریده شده و تدبیر و تنظیم می‌گردد»<sup>۲</sup>.

۱. تفسیر برهان / ۳ / ۵۵ / حدیث ۱.

۲. پیام قرآن / ۳ / ۱۷۴.



## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## «اقسام کلمه»

در درس قبل گفته شد که موضوع علم صرف «کلمه» است، در این درس با اقسام کلمه آشنا خواهیم شد.

## اقسام کلمه

کلمه بر سه قسم است: «اسم، فعل و حرف».

۱ - اسم: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی باشد و دلالت بر زمان نکند؛

مانند:

اللَّهُ (خداوند)، شَمْسٌ (خورشید)، نَصْرٌ (یاری نمودن)؛

۲ - فعل: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی باشد و دلالت بر یکی از

زمان‌های سه گانه (گذشته، حال و آینده) نیز بکند، مانند:

كَتَبَ (نوشت)، يَكْتُبُ (می‌نویسد)، اُكْتُبُ (بنویس)؛

۳ - حرف: کلمه‌ای است که معنای مستقلی ندارد ولی وسیله‌ای است برای

ربط دادن کلمات به یکدیگر، مانند

حرف «وَ» و «فَ» در عبارت: إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ.

۱ - از میان اقسام کلمه، فقط «اسم و فعل» صرف می‌شوند (یعنی به شکل‌های

مختلف در می‌آیند)، البته فعل بیشتر از اسم، ولی «حرف»، همیشه صورت و

شکل آن، «ثابت» است؛

یادسپاری: بعضی از الفاظ، دارای معانی مختلفی است که به آن «الفاظ

مشترک» می‌گویند مانند لفظ «ما» که تا به حال با دو معنای آن آشنا شدیم:

۱ - «ما» نافی که به معنای: «فَ، نیست» می‌باشد، مانند:

وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ. (۶۲/۳)      أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ. (۵۹/۲)

همانگونه که در این آیات، توجه فرمودید، غالباً بعد از «ما» نافی، کلمات «الّا» و «غیر» آمده است.

۲ - «ما» موصوله<sup>(۱)</sup> که به معنای: «آنچه، هر آنچه که» می باشد: مانند:

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (۱/۳۴)

گاهی به جای «ما» موصوله، «مَنْ» موصوله به کار برده می شود با این تفاوت که «ما» در رابطه با اشیاء است و «مَنْ» در رابطه با اشخاص؛ مانند:

الْآنَ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ. (۶۶/۱۰)

۱. اسم موصول: اسم مبهمی است که ابهامش با جمله بعد از آن از بین می رود، مانند: رَأَيْتُ

مَا بَعَثَهُ (دیدم چیزی را که خریدم). ذَهَبَ مَنْ رَأَيْتَهُ (رفت کسی که دیدمش).

## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید

اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ (۱۳۳۵)      وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۸۹/۳)

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ (۲۴/۵۷)      وَ هُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ (۳/۶)

لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ (۱۴۲/۲)      هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ (۲۹/۲)

رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۴/۱۸)      أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ (۲۱/۲)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (۱/۳۴)

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۱۰/۳۳)

اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ (۱۰۱/۶)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت، به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - اسم، فعل و حرف را تعریف نموده و برای هر یک مثالی بزنید؛

۴ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث ادله توحید، چه فهمیدید؟

به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس سوم

### خداشناسی (صفات خداوند)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
بزرگ، با عظمت	عَظِيمٌ	(جمع اسم)، نام‌ها	أَسْمَاءٌ
(جمع: غیب)، نهان	غُيُوبٌ	پنهان‌کاری، سخن پوشیده	إِسْرَارٌ، سِرٌّ
همتا	كُفُوٌ	آشکار	جَهْرٌ
مانند، شبیه، نظیر	مِثْلٌ	نیکو، بهتر، بهترین	حُسْنٌ
راز گفتن، پنهان‌کاری	نَجْوَى	دارای	ذَاتٌ
بخوانید	أَدْعُوا	مُنَزَّه، پاک و بی‌عیب	سُبْحَانَ
وصف می‌کنند	يَصِفُونَ	گواهی دادن، آشکار دادن	شَهَادَةً
می‌داند (يَعْلَمُوا: می‌دانند)	يَعْلَمُ	(جمع: صدر)، سینه‌ها	صُدُورٍ
می‌باشد	يَكُنُّ	دانا	عَالِمٌ
(عَنْ + ما): از آنچه	عَمَّا	بسیار دانا	عَلَامٌ، عَلِيمٌ
(حرف نفی) نه	لَمْ	بزرگوار، بلند مرتبه	عَلِيٌّ
تو، تَ	كَ	عِزَّت، شکوع، سربلندی	عِزَّةٌ

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ (۱۱/۴۲)
۲. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴/۱۱۲)
۳. سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (۱۵۹/۳۷)
۴. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰/۳۷)
۵. وَاللَّهُ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا (۱۸۰/۷)
۶. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ (۸/۲۰)
۷. إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱۹/۳)
۸. إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۸/۴۹)
۹. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ غَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ (۲۲/۵۹)
۱۰. إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۷۸/۹)
۱۱. وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ (۳/۶)
۱۲. وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ<sup>(۱)</sup>
۱۳. إِنَّ اللَّهَ غَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ<sup>(۲)</sup>

۱. ۱۶/۴۹

۲. ۳۸/۳۵

## ۳ - آشنایی با اصول عقائد خداشناسی (صفات خداوند)

شناخت خداوند از راه مطالعه اسرار جهان آفرینش، آسان است ولی شناخت صفات خداوند نیاز به دقت فراوان دارد، چرا که خداوند هیچ چیزش با ما و آنچه دیده و شنیده ایم، شباهت ندارد ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ و چگونه ممکن است موجود ناقص و محدودی مثل ما، آن وجود کامل و نامحدود را آن طور که هست بشناسد و برای همین است که خداوند، خود را از توصیف ناقص انسان‌ها، منزّه و پاک می‌داند ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾؛ از این رو نخستین شرط شناخت صفات خداوند نفی تمام صفات مخلوقات از آن ذات مقدس می‌باشد.

حقیقت صفات خداوند بر کسی روشن نیست، چرا که هیچگونه شباهتی با اوصاف مخلوقین ندارد ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾، تنها می‌توانیم خداوند را با اوصافی که در قرآن برای خودش بیان فرموده بشناسیم، آنهم با علم اجمالی که برای ما انسان‌ها امکان‌پذیر است.

در قرآن «صفات خداوند» با عنوان «اسماء الحُسنى» معرفی شده ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾؛

«اسماء الحُسنى»، به معنی «نام‌های نیکو» است و برای خداوند، نام‌های نیکویی مختلفی است که همه، اشاره به ذات واحد حق می‌کند.

تعدد نام‌های خداوند، هیچگونه منافاتی با وحدت ذات او ندارد، چرا که تعدد نام‌ها، ناشی از اختلاف زاویه دید ما نسبت به آن کمال مطلق است، گاه از دریچه آگاهی او بر عالم هستی نگاه می‌کنیم و می‌گوییم «عالم» است، و گاه از دریچه توانایی او بر کارها و می‌گوییم «قادر» است.

در درس‌های آینده با بعضی از صفات خداوند، آشنا خواهیم شد.



## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## «اقسام اسم ۱»

«اسم»، دارای تقسیمات متعددی است از جمله: «مذکر و مؤنث».

«اسم مذکر»: بر جنس «نر» دلالت می‌کند، مانند: مُوسَى، مُؤْمِن؛

«اسم مؤنث»: بر جنس «ماده» دلالت می‌کند، مانند: مَرِيَمَ، مُؤْمِنَه؛

از جمله اقسام اسم: «مفرد، مُثَنِّي، جمع» می‌باشد.

«مفرد»: کلمه‌ای که بر یک شیء یا شخص دلالت می‌کند؛ مانند: رَجُلٌ، مُؤْمِنٌ؛

«مُثَنِّي»: کلمه‌ای که بر دو چیز دلالت می‌کند؛ مانند: رَجُلَانِ، مُؤْمِنَانِ؛

«جمع»: کلمه‌ای که بر بیش از دو چیز دلالت می‌کند، مانند: رِجَالٌ، مُؤْمِنُونَ.

نشانه‌های مُثَنِّي، دو چیز است:

۱ - «ان»، مانند: مُؤْمِنَانِ، جَنَّاتِنِ؛

۲ - «-ین»، مانند: مُؤْمِنَيْنِ، جَنَّاتَيْنِ

اقسام جمع «سالم و مُكْسَّر»

«جمع سالم»: شکل مفرد آن تغییر نمی‌کند؛ مانند: مُؤْمِنٌ - مُؤْمِنُونَ

«جمع مُكْسَّر»: شکل مفرد آن تغییر می‌کند؛ مانند: رَجُلٌ - رِجَالٌ

نشانه‌های جمع سالم مذکر دو چیز است:

۱ - «-ون»، مانند: مُؤْمِنُونَ؛

۲ - «-ین»، مانند: مُؤْمِنِينَ.

نشانه‌های جمع سالم مؤنث یک چیز است:

«-ات»، مانند: مُؤْمِنَاتٍ.

یادسپاری: از نشانه‌های «اسم»، قبول تنوین و «ال» تعریف می‌باشد، مانند:

كِتَابٌ - اَلْكِتَابُ؛ رَسُوْلٌ - اَلرَّسُوْلُ؛ عَلِيْمٌ - اَلْعَلِيْمُ



## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید.

وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲/۲) إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۲/۲۹)  
 فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ (۲۰/۱۰) وَاللَّهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۳۳/۱۱)  
 فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۱۱۰/۱۷) يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۶/۲۵)  
 وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۶/۴۷) إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲/۴)  
 وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَسْرَارَهُمْ (۶/۲۵) وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۰۱/۶)  
 قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ (۶۵/۲۷)  
 لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۴/۴۲)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - اسم مفرد، مثنی و جمع را تعریف نموده و برای هر یک مثالی بنویسید؛

۴ - ۵ - نشانه‌های مثنی و جمع را با ذکر مثال بیان فرمایید؛

۵ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث صفات خداوند، چه

فهمیدید، به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس چهارم

### خداشناسی (صفات خداوند)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
پاینده، پایدار	قَيُّوم	بینا	بَصِير
کارساز، نگه‌دار، حمایت‌گر	وَكِيل	باحکمت، کاردان، محکم‌کار	حَكِيم
(ضمیر جمع مخاطب) شما	أَنْتُمْ	ستوده، شایسته ستایش	حَمِيد
همه، همگی	جَمِيع	زنده (یُحیی: زنده می‌کند)	حَيٌّ
ستودن، ستایش کردن	حَمْد	آگاه، دانای اسرار	خَبِير
(جمع عَبد) بندگان	عِبَاد	بخشنده	رَحْمَن
(جمع عَالَم) جهانیان	عَالَمِينَ	مهربان	رَحِيم
(جمع فقیر) نیازمندان	فُقَرَاء	شنوا	سَمِيع
مردم، انسان‌ها	نَاس	قدرتمند، شکست‌ناپذیر	عَزِيز
أَيُّ + ها تنبیه <sup>(۱)</sup>	أَيُّهَا	بی نیاز	غَنِيٌّ
(حرف ندا) ای	يَا	توانا، بسیار توانا	قَدِير
می‌میراند	يُمِيتُ	نیرومند	قَوِيٌّ

(۱) «أَيُّ» به ضمیمه «ها» که پس از «یاء نداء» می‌آید، معمولاً ترجمه نمی‌شود

و بیشتر معنای تأکید دارد.

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ<sup>(۱)</sup>. (۴۰/۲۲).
۲. إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۶۶/۱۱).
۳. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (۲/۳).
۴. إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱/۳۵).
۵. غَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳/۶).
۶. لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۱/۴۲).
۷. إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۵/۱۰).
۸. وَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۱۶۳/۲).
۹. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰/۲۱).
۱۰. لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>(۱)</sup>.
۱۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵/۳۵).
۱۲. وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ<sup>(۲)</sup>.
۱۳. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ<sup>(۳)</sup>.

۱. ۲/۵۷.

۲. ۸۴/۴۳.

۳. ۱۰۲/۶.

## ۳ - آشنایی با اصول عقائد

## خداشناسی (صفات خداوند)

در قرآن کریم برای خداوند اسماء و صفات فراوانی نقل شده که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

﴿وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ از جمله اوصاف پروردگار «علم و دانایی» اوست که تمام عالم هستی را شامل می‌شود و ذره‌ای در این عالم پهناور از علم نامحدود او پوشیده و پنهان نیست؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾، قدرتمندی شکست ناپذیر که در انجام کارهایش، نیاز به کمک ندارد؛ ﴿هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾، دارای حیات جاوید و ثابت و برقرار است که قائم به ذات خویش است ولی همه موجودات، قائم به او هستند؛ ﴿وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾، تمامی افعالش صحیح و استوار و خالی از فساد و خطاست و عالم و آگاهی که از اسرار درون باخبر است؛ ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾، به همه شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها، آگاهی کامل دارد؛ ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾، خداوندی که رحمت گسترده او همگان را شامل می‌شود و رحمت خاص و ویژه‌اش شامل مؤمنان می‌گردد؛ ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾، ولا مقامی که برتر از همه چیز است؛ ﴿هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾، بی‌نیازی که احتیاج به غیر ندارد و همه نیازمند اویند و شایسته هرگونه حمد و ثناست؛ ﴿لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ حکومت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، او پیوسته زنده می‌کند و می‌میراند و بر هر چیز قادر و تواناست. ﴿وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾، و خداوند حافظ و نگهبان و تکیه‌گاه قابل اعتماد همه موجودات جهان است.

## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## «اقسام اسم ۲»

از جمله تقسیمات اسم، «جامد و مشتق» می باشد.

اسم جامد: اسمی است که از کلمه دیگر گرفته نشده باشد، مانند: رَجُلٌ، جَعْفَرٌ؛

اسم مشتق: اسمی است که از کلمه دیگر گرفته شده باشد، مانند: عَالِمٌ، عَلِيمٌ؛

عَلَامٌ، که همگی از کلمه «عِلْمٌ» گرفته شده اند.

## اقسام اسم مشتق

«اسم مشتق» بر هشت قسم است: صفت مشبّهه، صیغه مبالغه، اسم فاعل، اسم

مفعول، اسم تفضیل، اسم زمان و مکان، اسم ابزار.

«صفت مُشَبَّهه»: اسمی است که بردارنده صفت ثابت و پایدار دلالت کند، و

در قرآن، بیشتر بر این وزن ها آمده است:

۱ - فَعِيلٌ، مانند: عَلِيمٌ (دانا)، عَزِيزٌ (با عِزّت)؛

۲ - فَعُولٌ، مانند: صَبُورٌ (شکیبا)، شَكُورٌ (قدردان)؛

۳ - فَعَلٌ، مانند: حَسَنٌ (نیکو)،

«صیغه مبالغه»: اسمی است که بر بسیار انجام دهنده کار یا بسیار دارنده

صفتی دلالت می کند و در قرآن، بیشتر بر این وزن ها آمده است:

۱ - فَعَالٌ، مانند: عَلَامٌ (بسیار دانا)، تَوَّابٌ (بسیار توبه کننده)؛

۲ - فَعُولٌ و فَعُولٌ، مانند: صَبُورٌ (بسیار شکیبا)، سُبُوحٌ (بسیار پاک)؛

۳ - فَعِيلٌ و فَعِيلٌ، مانند: عَلِيمٌ (بسیار دانا)، صِدِّيقٌ (بسیار راستگو).

یادسپاری: دو وزن «فَعِيلٌ و فَعُولٌ» در صفت مشبّهه و صیغه مبالغه به طور

مشترک استعمال می شوند.



## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۷۱/۹) هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ (۶۵/۴۰)  
 إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۴۴/۴۰) وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۳/۲)  
 وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۲۵/۳۳) إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۹۴/۴)  
 وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۲/۱۱) وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۹/۳۶)  
 وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ (۳۸/۴۷) هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ (۶۵/۴)  
 وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۲/۳)  
 لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۶/۳۱)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - صفت مشبّهه و صیغه مبالغه را تعریف نموده و وزن‌های آنها را با

ذکر مثال بیان کنید.

۴ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث صفات خداوند، چه

فهمیدید، به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس پنجم

### خداشناسی (عدل)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
پاداش یا کیفر داده می شوید	تُجَزَوْنَ	نیکوکاری، نیکی	إِحْسَان
مورد ستم واقع می شود	تُظَلَّمُ	(جمع: نَفْس) جان، خویشتن	أَنْفُس
انجام می دهید، کار می کنید	تَعْمَلُونَ	خوبی (ضد شرّ = بدی)	خَيْر
حکم می شود	قُضِيَ	ستم، تعدی و تجاوز	ظُلْم
بودید	كُنْتُمْ	بنده (عباد: جمع عبد)	عَبْد، عَبِيد
قرار می دهیم	نَضَعُ	عدالت، دادگری	قِسْط، عَدْل
فرمان می دهد، درخواست می کند	يَأْمُرُ	توان	وُسْع
می بیند	يَرَى	هم وزن ذره	مِثْقَال ذَرَّة
اراده می کند، می خواهد	يُرِيدُ	(جمع میزان) ترازوها	مَوَازِين
(جمع: يَظْلِمُ) ستم می کند	يَظْلِمُونَ	روز (ایام: جمع يَوْم)	يَوْم
انجام می دهد، کار می کند	يَعْمَلُ	او، آن (مفرد مؤنث غایب)	ها (ضمیر)
تکلیف نمی کند	لَا يُكَلِّفُ	فرمان داد (أمر = فرمان)	أَمْر



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ (۲۹/۷).
۲. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (۹۰/۱۶).
۳. وَمَا اللَّهُ<sup>(۱)</sup> يَرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ (۳۱/۴۰).
۴. وَمَا اللَّهُ يَرِيدُ ظُلْمًا لِلْغَالِمِينَ (۱۰۸/۳).
۵. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (۴۰/۴).
۶. أِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ<sup>(۲)</sup> لِلْعَبِيدِ (۱۰/۳۲).
۷. لَا يَكِلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۲۸۶/۲).
۸. وَفُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۴/۱۰).
۹. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۴/۱۰).
۱۰. وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا<sup>(۳)</sup>.
۱۱. فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>(۴)</sup>.
۱۲. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ<sup>(۵)</sup>.

۱. و مَا الله يُرِيدُ، در اصل: و مَا يُرِيدُ الله است که برای تأکید «الله»، مقدم شده است.

۲. «ظَلَّامٌ»، صیغه مبالغه از «ظَلِمَ»، یعنی: بسیار ستمکار.

۳. ۴۷/۲۱

۴. ۵۴/۳۶

۵. ۷/۹۹ - ۸



### ۳ - آشنایی با اصول عقاید

#### خداشناسی (عدل)

«عدل» یکی از صفات الهی است که با «حکیم» بودن خداوند، پیوند ناگسستنی دارد، «عدل» یکی از صفات خداوند می‌باشد، مانند سایر صفات؛ علت اینکه این صفت نزد شیعه، جزو اصول مذهب و در ردیف توحید قرار گرفته است این است که «عدل الهی»، پایه بسیاری از عقاید «شیعه» را تشکیل می‌دهد، از این رو به صورت اصل مستقل، عنوان گردیده است.

شکی نیست که «ظلم»، قبیح و ناپسند است و خداوند هرگز کار قبیح و ناپسند انجام نمی‌دهد چرا که عوامل ظلم، چند چیز است که خداوند منزّه از آنهاست، از جمله:

۱ - «نیاز»، کسی ظلم می‌کند که برای رسیدن به اموری نیازمند باشد و از راه ظلم بتواند به آنها برسد، در حالی که خداوند «غنی و بی نیاز مطلق» است، ﴿وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾؛

۲ - «جهل و نادانی»، کسی ظلم می‌کند که قبیح و ناپسند بودن ظلم را نداند، در حالی که خداوند، «علمش نامحدود و بی پایان» است؛ ﴿وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾؛

۳ - «عجز و ناتوانی»، کسی ظلم می‌کند که از رفع ضرر و خطر از خودش عاجز است و برای رسیدن به هدف، راهی جز ظلم ندارد، در حالی که خداوند دارای «قدرت نامتناهی و بی حد» می‌باشد، ﴿إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾؛

تمامی تکالیف الهی، بر اساس عدل و داد استوار است، و تکالیف افراد، بر اساس قدرت و توانایی آنهاست ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾، و در روز رستاخیز نیز، خداوند بر اساس عدل و داد میان افراد داوری خواهد کرد، و هیچگاه به افراد نیکوکار و بدکار به یک چشم نگاه نخواهد کرد ﴿فَالْيَوْمَ لَا تظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْرَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.



## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## «اقسام اسم ۳»

از جمله تقسیمات اسم: «معرفة و نكرة» می‌باشد.

«معرفة»: اسمی است که بر موجود معینی دلالت می‌کند، مانند: مکه، محمد.

«نكرة»: اسمی است که بر موجود نامعین دلالت می‌کند، مانند: کتاب، رجل.

## اقسام معرفة

معرفة بر شش قسم است: ۱ - عَلم، ۲ - اسم اشاره، ۳ - ضمیر، ۴ - اسم موصول، ۵ - معرفة به آل، ۶ - معرفة به اضافه.

۱ - عَلم یا اسم خاص: اسمی است که نام انسان یا حیوان و یا مکان معین باشد، مانند: حَسَن، ذُو الجناح، کربلا.

۲ - اسم اشاره: اسمی است که به وسیله آن به اشخاص و یا اشیاء معین اشاره می‌شود، و بر دو قسم است: اسم اشاره قریب (نزدیک) و اسم اشاره بعید (دور).

اسم اشاره قریب (نزدیک)، عبارتند از:

مفرد: هَذِهِ؛ (این یک زن)	}	مفرد: هَذَا؛ (این یک مرد)
تثنیه: هَاتَانِ، هَاتَيْنِ؛ (این دو زن)		مؤنث (این دو مرد)
جمع: هَؤُلَاءِ؛ (اینها چند زن)		جمع: هَؤُلَاءِ؛ (اینها چند مرد)

اسم اشاره بعید (دور) عبارتند از:

ذَلِكَ (این یک مرد)؛ تِلْكَ (این یک زن)، أُولَئِكَ (آنها، شامل زن و مرد).

یادسپاری: برای اشاره به مکان، از این کلمات استفاده می‌شود:

هنا، هاهنا (اینجا)، هُنَاكَ، هُنَالِكَ (آنجا).

در ترجمه روان آیات به فارسی، در بسیاری از موارد مناسب‌تر آن است که

«ذَلِكَ وَتِلْكَ» را به «این» ترجمه کنیم، مانند:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ (۲/۲) (این کتاب، هیچ شکی در آن نیست).  
 تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲/۳۱) (این آیات کتاب حکیم است).  
 لفظ «كَذَلِكَ» نیز ترجمه می‌شود، «این گونه»، «این چنین»، مانند:  
 كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ (۵۹/۲۴) (این چنین خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند).

### ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (۴۹/۱۸) وَقَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۹/۳۹)  
 إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷/۲۱) وَمَا تُجْرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ  
 وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۳۳/۱۶)

فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۹/۳۰)  
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵/۳۵)

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۶/۴۹).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - اسم معرفه و نکره را تعریف نموده و برای هر یک مثالی بنویسید.

۴ - ۵ - اسم اشاره قریب و بعید را تعریف نموده و برای هر یک مثالی بنویسید.

۵ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث عدل الهی، چه فهمیدید، به

صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس ششم

### معاد روز قیامت

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
جمع‌آوری کرد، بدست آورد	كَسَبَتْ	پایان، انتها (در مقابل اول)	غَايِرٌ <sup>(۱)</sup>
داوری و قضاوت می‌کنید	تَحْكُمُونَ	بیهوده، ناحق	بَاطِلٌ
ایمان‌می‌آورد، اعتقاد پیدا می‌کند	يُؤْمِنُونَ	درست (ضد باطل)، حق	حَقٌّ
حتماً جمع می‌کند، گردآوری می‌کند	يَجْمَعَنَّ	ترس، نگرانی	خَوْفٌ
اندوهگین می‌شوند	يَحْزَنُونَ	شک، تردید	رَيْبٌ
داوری می‌کند، قضاوت می‌کند	يَحْكُمُ	شایسته، نیک	صَالِحٌ
اختلاف می‌کردند	يَخْتَلِفُونَ	ایمان آورد، اعتقاد پیدا کرد	غَامِنٌ
مورد ستم واقع می‌شوند	يُظْلَمُونَ	آیا قرار بدهیم	أَفَنَجْعَلُ <sup>(۲)</sup>
به سوی، تا، در	إِلَى	برانگیخته می‌شوید، زنده می‌شوید	تُبْعَثُونَ
بین، میان	بَيْنَ	پاداش داده می‌شوید	تُجْزَى
در	فِي	آفریدیم ما	خَلَقْنَا
چگونه، چه	كَيْفَ	عمل کرد، انجام داد	عَمِلَ

(۱) يَوْمُ الْآخِرِ: روز قیامت (۲) أَفَنَجْعَلُ: آ (استفهام) آیا + فَ + نَجْعَلُ.

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ. (۱۶/۳۳)
۲. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ. (۱۱۴/۳)
۳. قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱۱۴/۴)
۴. لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ. (۱۲/۶)
۵. وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا. (۲۷/۳۸)
۶. مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ. (۸۵/۱۵)
۷. قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ. (۱۱۳/۲)
۸. وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا. (۴۷/۲۱)
۹. أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ<sup>(۱)</sup> كَالْمُجْرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ. (۳۵/۶)
۱۰. مَنْ غَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ ضَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (۶۹/۵)
۱۱. وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ. (۲۲/۴۵)
- وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ مَا خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۹-۳۸/۴۴)

۱. مُسْلِمِينَ (جمع مُسْلِمٍ) همان معنای مسلمان می‌باشد و همچنین مُجْرِمِينَ (جمع مُجْرِمٍ)

همان معنای مجرم و گنهگار می‌باشد؛ «ما لکم»: چه می‌شود شما را.



### ۳ - آشنایی با اصول عقائد

#### معاد روز قیامت

در قرآن کریم، بعد از مسأله توحید، هیچ یک از مسائل عقیدتی به اهمیت مسأله معاد نمی‌رسد، و نزدیک به یک سوم آیات قرآن، در رابطه با معاد می‌باشد، و حدود سی مورد بعد از ایمان به خداوند، موضوع ایمان به جهان دیگر مطرح شده است، ﴿وَيُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾؛ چرا که ایمان به خداوند و حکمت و قدرت و عدالت او بدون ایمان به معاد، کامل نمی‌گردد.

یک مطالعه اجمالی در وضع جهان هستی، نشان می‌دهد که همه چیز بر اساس هدف و حکمت و نظم و برنامه‌ای آفریده شده است.

حال اگر چنین فرض کنیم که مرگ برای انسان، پایان همه چیز است، و اگر بعد از این جهان، قیامتی نباشد، آفرینش پوچ و عبث و بیهوده خواهد بود، و خداوند حکیم هرگز کار عبث نمی‌کند، ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْنَا هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ﴾؛ آیا باور کردنی است که خداوند، سفره‌ای به اندازه جهان هستی بگستراند و همه وسائل را برای انسان فراهم کند و سپس با مردن، همه چیز تمام شده و سفره برچیده شود؟ این با حکمت خداوند حکیم هرگز سازگار نیست.

از سوی دیگر: تاریخ گذشته انسان و حوادث امروز به خوبی نشان می‌دهد که اِحقاق حقّ مظلومان و کیفر ظالمان هرگز در این جهان به طور کامل انجام نشده است، از این رو عدالت پروردگار اقتضا می‌کند که پس از این جهان، قیامت باشد و حساب و جزایی باید باشد تا به همه اعمال خوبان و بدان رسیدگی شود،

﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾.

## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## «اقسام اسم ۴»

یکی از اقسام اسم معرفه، «ضمیر» است.

«ضمیر»: کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و از تکرار آن جلوگیری

می‌نماید؛ مانند: کِتَابَهُ (کتابش)، هُوَ کَاتِبٌ (او نویسنده است).

«ضمیر»، بر دو قسم است: «مُتَّصِلٌ» و «مُنْفَصِلٌ».

«ضمیر متصل»: ضمائری هستند که به تنهایی و به طور مستقل نمی‌آیند، بلکه

همیشه به کلمه دیگری متصل می‌باشند، و عبارتند از:

معنا	مؤنث	مذکر	لفظ یا صیغه	
او-آن	هَا	هُ وَ	مفرد	غایب
آنها-آنان	هُنَّ	هُمَا	تثنیه	
آنها-آنان	هُنَّ	هُمُ	جمع	
تو	كِ	كَ	مفرد	مخاطب
شما	كُنَّ	كُمَا	تثنیه	
شما	كُنَّ	كُمُ	جمع	
مَنْ ما		ی نا	وَحْدَهُ مَعَ الْغَيْرِ	مُتَكَلِّمٌ

**یادسپاری:** ضمائر متصل، اگر به دنبال اسم بیایند، معنای مالکیت و دارایی را می‌رساند و اگر به دنبال افعال بیایند، معنای مفعولی خواهند داشت، در این صورت حرف «را» به معنای ضمیر اضافه می‌شود؛ مانند: کِتَابَهُ (کتاب او)؛ نَصْرَهُ (یاری کرد او را).

«ضمیر منفصل»: ضمائی هستند که به تنهایی و به طور مستقل می آیند و به دو دسته تقسیم می شوند: «منفصل مرفوع» و «منفصل منصوب».

«ضمایر منفصل منصوب»: با اضافه نمودن لفظ «ایا» به ابتدای ضمیرهای متصل ساخته می شوند و غالباً معنای مفعولی دارند، از این رو حرف «را» به معنای آنها اضافه می شود؛ و عبارتند از:

غایب: اِيَاهُ، اِيَاهُمَا، اِيَاهُمْ، اِيَاهَا، اِيَاهُمَا، اِيَاهِنَّ

مخاطب: اِيَاكَ، اِيَاكُمَا، اِيَاكُمْ، اِيَاكِ، اِيَاكُمَا، اِيَاكِنَّ

متکلم وحده و مع الغیر: اِيَايَ، اِيَانَا

«ضمایر منفصل مرفوع»: عبارتند از:

غایب: هُوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ

مخاطب: اَنْتَ، اَنْتُمَا، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنْتُمَا، اَنْتُنَّ

متکلم وحده و مع الغیر: اَنَا، نَحْنُ



## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ (۱۹۱/۳)

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۶۷/۴۳)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ (۸۷/۴)

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ

الْحِسَابِ (۱۷/۴۰)

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ

لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۳/۲)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - ضمیر را تعریف نموده و اقسام آن را با ذکر مثال برای هر مورد

توضیح فرمایید.

۴ - ۵ - ضمیر منفصل مرفوع را بشمارید و معنای هر یک را مشخص فرمایید.

۵ - ۵ - از معنای آیات و عبارات درس و مبحث معاد، چه فهمیدید، به

صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس هفتم

### اسامی روز قیامت

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
آن روز، چنین روزی	يَوْمَئِذٍ	بسیار دردناک	أَلِيمٌ
کسانی که	الَّذِينَ	برانگیختن، زنده شدن	بَعَثَ
می ترسم	أَخَافُ	خاک	تُرَابٌ
آگاه کرد، فهماند	أَذْرَى	جزا، آیین	دِينٌ
تکذیب می کردید	تُكذِّبُونَ	سخت، محکم	شَدِيدٌ
مالک می شود	تَمْلِكُ	عذاب، درد و رنج	عَذَابٌ
ظلم کردند، ستم کردند	ظَلَمُوا	سخت و دشوار	عَسِيرٌ، عَسِيرٌ
گفتند	قَالُوا	جدایی، جداکردن حق از باطل	فَصَلَ
خبر بده	نَبِّئْ	(جمع کافر) کافران	كَافِرِينَ، كَافِرُونَ
فراموش کردند	نَسُوا	وقت مُعَيَّن، وعده گاه	مِيقَاتٌ
می گوید	يَقُولُ	وای (فَوَيْلٌ: ف + وِیل)	وَيْلٌ
سپس	ثُمَّ	آسان	يَسِيرٌ

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷/۷۸).

۲. ثُمَّ أَنْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶/۳۳).

۳. فَهَذَا يَوْمِ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶/۳۰).

۴. لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۲۶/۳۸).

۵. إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱/۴۶).

۶. إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ الْيَمِّ (۲۶/۱۱).

۷. قَوْلٍ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْيَمِّ (۶۵/۴۳).

۸. الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴-۳/۱).

۹. فَذَلِكَ يَوْمِئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰-۹/۷۴).

۱۰. وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۱-۲۰-۳۷).

۱۱. وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمِ الدِّينِ <sup>(۱)</sup> ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمِ الدِّينِ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ

نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹-۱۷/۸۲).

۱. «ما» در این آیه «استفهامیه» است که برای سؤال کردن به کار برده می‌شود و معنای: «چه

چیزی، چیست» می‌دهد.



### ۳ - آشنایی با اصول عقائد

#### (نام‌ها و اوصاف قیامت)

قرآن مجید برای «معاد» و «روز قیامت»، حداقل هفتاد نام را انتخاب نموده که به جزئیات اوصاف آن روز بزرگ، اشاره می‌کند و این به خاطر آن است که در قیامت، حوادث بسیار مختلف و گوناگونی رخ می‌دهد و هر یک از این حوادث، نشانگر چهره‌ای از آن روز بزرگ می‌باشد.

قرآن برای نشان دادن این ویژگی‌ها که مسلماً آثار تربیتی فوق‌العاده‌ای دارد، از نام‌های گوناگون استفاده نموده تا ترسیم ترقیقی در مجموع آیات از آن روز عظیم و حوادث فوق‌العاده و تکان دهنده آن، کرده باشد.

بعضی از نام‌ها و اوصاف «روز قیامت» بدین قرار است:

«يَوْمُ الْفَصْلِ»: روز جدایی حق از باطل، جدایی صفوف مؤمنان از کافران؛

«يَوْمُ الْبَعْثِ»: روز رستاخیز، روزی که همه مردگان برانگیخته می‌شوند؛

«يَوْمُ الْحِسَابِ»: روزی که تمامی اعمال، مورد محاسبه دقیق قرار می‌گیرد؛

«يَوْمُ عَظِيمٍ»: روز بزرگی که امور بسیار مهمی در آن، اتفاق می‌افتد؛

«يَوْمُ الْيَمِّ»: روزی که عذابش الیم و بسیار دردناک و همیشگی است؛

«يَوْمُ الدِّينِ»: روز جزا، روزی که همه به پاداش و کیفر اعمال خود خواهند

رسید؛

«يَوْمُ عَسِيرٍ»: روزی که بر کافران بسیار سخت و طاقت فرسا و دردناک است؛

«يَوْمُ الْحَقِّ»: روز حق، ثابت و پایرجا، انکارناپذیر و حتماً واقع خواهد شد؛

هر یک از این نام‌ها، تابلو بسیار عجیب و تکان‌دهنده و روشن و گویا از آن روز عظیم ترسیم می‌کند، تمام گفتنی‌ها را می‌گوید و سرنوشت همه انسان‌ها را در مواضع محشر در آن روز شرح می‌دهد.

ممکن نیست انسان در مجموعه این نام‌ها تأمل کند و با دیده قبول، آنها را ببیند و اثر تربیتی فوق‌العاده‌ای در او ایجاد نکند.

## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## «اقسام فعل»

«فعل»، بر سه قسم است: «ماضی، مضارع، امر».

«فعل ماضی»: فعلی است که بر حالتی یا انجام کاری در زمان گذشته دلالت نماید، مانند: عَلِمَ (دانست، آگاه شد)، نَصَرَ (یاری کرد).

«فعل مضارع»: فعلی است که بر حالتی یا انجام کاری در زمان حال یا آینده دلالت کند، مانند: يَعْلَمُ (می داند، آگاه می شود)، يَنْصُرُ (یاری می کند).

«فعل امر»: فعلی است که بر طلب حالت یا کاری دلالت نماید: اَعْلَمُ (بدان، آگاه شو)، اَنْصُرْ (یاری کن).

## صیغه‌های افعال

«صیغه‌های افعال»: با توجه به حالت‌های فاعل که انجام دهنده کار یا پدیدآورنده حالت می‌باشد، «چهارده لفظ یا صیغه» به شرح زیر دارد:

یا فاعل حضور ندارد که به آن «غایب» می‌گویند؛ مانند: او، آنها؛

و یا حاضر است که به آن «مخاطب» می‌گویند؛ مانند: تو، شما.

و هر کدام از آنها نیز بر دو قسم است: مُذَكَّر (مرد) و مُؤنَّث (زن).

و هر یک از مذکر و مؤنث نیز بر سه قسم است: مفرد (یک نفر)، مُثَنِّي (دو

نفر)، جمع (پیش از دو نفر).

و یا فاعل، خود گوینده است که به آن «مُتَكَلِّم» می‌گویند؛ در این صورت اگر

فعل را تنها به خودش نسبت دهد «مُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ» می‌گویند، مانند: مَنْ، ویا به

خود و دیگری نسبت می‌دهد «مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ» می‌گویند، مانند: ما.

یادسپاری: در درس دوم با کاربرد لفظ مشترک «ما» برای دو معنا آشنا شدید:

۱ - «ما» نافی، مانند: وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ؛

۲ - «ما» موصوله، مانند: لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.

کاربرد دیگر لفظ مشترک «ما» برای «استفهام» است؛



اسم استفهام: اسمی است که برای پرسیدن به کار می‌رود.

بعضی از اسم‌های استفهام، عبارتند از:

«ما»، (چه چیزی، چیست)، مانند: وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۲۰/۳۷).

«مَنْ»<sup>۱</sup> (چه کسی)، مانند: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (۳۱/۱۰).

«كَيْفَ»، (چگونه)، مانند: أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷/۸).

۱. «مَنْ» نیز از الفاظ مشترک می‌باشد، «مَنْ» موصوله، (کسی که، هر آن کس که)، مانند: «لِلَّهِ

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ»؛ «مَنْ» استفهامیه، (چه کسی)، مانند: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ».

## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

ذَلِكَ الْيَوْمِ الْحَقِّ (۳۹/۷۸) يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ (۸/۵۴)

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶/۴۵)

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۷/۴۰) ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶/۲۳)

نَبِيِّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمِ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (۵۰/۱۵)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ.

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا

كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲/۴۵)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - افعال بر چند قسم است، با ذکر مثال برای هر مورد.

۴ - ۵ - هر یک از افعال، چند لفظ و صیغه دارند، مشروحاً توضیح دهید.

۵ - ۵ - از معنای آیات مربوط به اسامی روز قیامت، چه فهمیدید، به صورت

فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس هشتم

### دلایل اثبات معاد

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
نیست	لَيْسَ	جمع: اثر = نشانه‌ها	ءَاثَارٌ
زنده کننده	مُحْيِي	بزرگ‌تر	أَكْبَرُ
مُرده (موت = مردن)	مَمِيتٌ	بیشتر	أَكْثَرُ
ایجاد کرد، تربیت کرد	أَنْشَأَ	اولین بار	أَوَّلَ مَرَّةٍ
بنگر، نگاه کن	أَنْظُرْ	آسان‌تر	أَهْوَنُ
اینکه بیافریند	أَنْ يَخْلُقَ	بله، آری	بَلَى
خارج می‌شوید	تُخْرَجُونَ	خاک	تُرَابٌ
خارج می‌کنیم	نُخْرِجُ	آفرینش، آفریدن	خَلَقَ
آغاز می‌کند، ایجاد می‌کند	يَبْدَأُ	پوسیده	رَمِيمٌ
خارج می‌سازد	يُخْرِجُ	(جمع شریک)، شریکانتان	شُرَكَاءُ
دیدند	يَرَوُ	(جمع عَظْم)، استخوان‌ها	عِظَامٌ
باز می‌گرداند	يُعِيدُ	توانا، قدرتمند	قَادِرٌ



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۱/۳۰)
۲. وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ (۲۷/۳۰)
۳. أَوَلَيْسَ <sup>(۱)</sup> الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ <sup>(۲)</sup> عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۱/۳۶).
۴. لَخَلَقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷/۴۰)
۵. إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ (۴/۱۰)
۶. يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۹/۳۰)
۷. فَانظُرْ إِلَىٰ ءَاثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيٍ الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵۰/۳۰)
۸. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ... ثُمَّ نَخْرِجُكُمْ طِفْلًا... ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶۰/۲۲)

۱. أَوَلَيْسَ = آ حرف استفهام (آیا) + وَ + لَيْسَ = و آیا نیست.

۲. بِقَادِرٍ = بِ + قَادِر.

## ۳ - آشنایی با اصول عقائد

## (دلایل اثبات معاد)

در قرآن مجید برای اثبات امکان معاد، راه‌های فراوانی وجود دارد که در شکل استدلال منطقی عرضه شده است، از جمله آنها:

۱ - یادآوری آفرینش نخستین ﴿هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ﴾؛ یکی از علل اصلی انکار مخالفان معاد، بی‌توجهی و غفلت از آفرینش نخستین انسان‌ها می‌باشد که خداوند در پاسخ می‌فرماید: کسی که آفرینش را آغاز کرده، بازگرداندن دوباره آن برای او آسان‌تر است؛ بی‌شک این سخن از دیدگاه بندگان و با منطق آنهاست و إلا در برابر قدرت مطلقه و بی‌پایان خداوند، آسان و مشکل مفهومی ندارد و همه چیز برای او یکسان است.

۲ - قدرت بی‌پایان خداوند ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ﴾؛ یکی از صفات خداوند متعال، قدرت بی‌پایان اوست که در بحث صفات خداوند بیان گردید، با قبول چنین اصلی، جای سؤال باقی نمی‌ماند که چگونه انسان‌ها دو مرتبه زنده می‌شوند.

۳ - زندگی پس از مرگ گیاهان ﴿وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ﴾؛ قرآن می‌فرماید: شما همواره با چشم خود صحنه‌های معاد را در زندگی روزانه می‌بینید که چگونه موجوداتی می‌میرند و بار دیگر زنده می‌شوند، این‌ها نمونه‌هایی از رستاخیز بزرگ و احیای مردگان و بازگشت مجدد به زندگی است، آیا باز هم در مسأله معاد در شک و تردید هستید؟

۴ - تطوّرات جنین؛ بررسی در دگرگونی‌هایی که «نطفه» از زمان قرار گرفتن در جهان مرموز و پیچیده رَحِم تا به هنگام تولد طی می‌کند، در حقیقت هر یک از این مراحل حیات تازه، و نمونه‌ای از معاد است.

اگر دگرگونی‌های شگفت‌انگیز از یکسو دلیل بر وجود مبدأ عالم و قادری است که در تاریکی‌های سه‌گانه رَحِم، این همه نقش‌های شگرف بر آب می‌زند و از سوی دیگر این تحولات، شباهت زیادی به مسأله حیات پس از مرگ دارد، از این رو قرآن مجید در هر دو بحث «توحید و معاد» بر آن تکیه نموده است.

﴿... فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ... ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا... ذَلِكَ بِإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى...﴾



## ۴ - آشنایی با زبان قرآن (ساختار فعلی ماضی)

ساختار چهارده گانه فعل ماضی، بر اساس فعل «نَصَرَ».

معنا	فعل	لفظ یا صیغه	
(آن يك مرد) یاری کرد	نَصَرَ	مفرد	غایب مذکر
(آن دومرد) یاری کردند	نَصَرَا	مثنی	
(آن مردان) یاری کردند	نَصَرُوا	جمع	
(آن يك زن) یاری کرد	نَصَرَتْ	مفرد	غایب مؤنث
(آن دوزن) یاری کردند	نَصَرْتَا	مثنی	
(آن زنان) یاری کردند	نَصَرْنَ	جمع	
(تو يك مرد) یاری کردی	نَصَرْتَ	مفرد	مخاطب مذکر
(شما دومرد) یاری کردید	نَصَرْتُمَا	مثنی	
(شما مردان) یاری کردید	نَصَرْتُمْ	جمع	
(تو يك زن) یاری کردی	نَصَرْتِ	مفرد	مخاطب مؤنث
(شما دوزن) یاری کردید	نَصَرْتُمَا	مثنی	
(شما زنان) یاری کردید	نَصَرْتُنَّ	جمع	
(مَن) یاری کردم	نَصَرْتُ	وحده	متكلم
(ما) یاری کردیم	نَصَرْنَا	مع الغير	

یادسپاری: با کمی دقت در صیغه‌های فعل ماضی، متوجه می‌شویم که اختلاف معانی صیغه‌ها، به خاطر نشانه‌هایی است که به آخر هر یک از آنها اضافه شده است.

این نشانه‌ها، انواع فاعل را مشخص می‌سازند که به آنها ضمائر فاعلی گفته می‌شود.

ضمائر فاعلی یا بارز و آشکار است، مانند: «الف» در: **نَصْرًا وَنَصْرَتَا** (تاء نشانه مؤنث بودن فاعل است)؛ و واو در: **نَصْرُوا**<sup>(۱)</sup>؛ و نون در: **نَصْرَنَ** و...  
و یا مستتر و پنهان است، مانند **هُوَ** در: **نَصَرَ**؛ و **هِيَ** در: **نَصَرَتْ**.

#### ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ  
ثُمَّ يُعِيدُهُ (۳۴/۱۰)

وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا  
كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲/۴۵)

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ  
بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (۷۸/۳۱ - ۷۹)

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِي اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام قرائت به معانی کلمات که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - چهارده صیغه افعال «عَلِمَ» (دانست)، «كَتَبَ» (نوشت) را بنویسید با معانی آنها؛

۴ - ۵ - چهارده فعل ماضی، چند ضمیر بارز و چند ضمیر مستتر دارند؟

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «دلائل اثبات معاد»، چه فهمیدید، به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. در زبان عرب، بعد از واو جمع، الفی می‌آورند تا واو جمع از غیر جمع تمیز داده می‌شود، (نَصَرَ وَقَالَ)، (نَصْرُوا وَقَالَ).

## درس نهم

### ضرورت بعثت انبیاء

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
ترازو، وسیله سنجش	مِيزَان	(جمع آیه): نشانه، معجزه	آيَات
(جمع نبی) پیامبر	أَنْبِيَاء	أُمَّة، جماعت	أُمَّة
برانگیز، بفرست	إِبْعَثْ	(جمع اُمّی) درس ناخوانده	أُمِّيَّينَ
اختلاف کردند	اِخْتَلَفُوا	(جمع بیّنه): برهان و دلیل روشن	بَيِّنَات
فرستادیم	أَرْسَلْنَا	حجت، دلیل، برهان	حُجَّة
فرو فرستادیم، نازل کردیم	أَنْزَلْنَا	گفتار یا کردار درست	حِكْمَةٌ
فرستاد، برانگیخت	بَعَثَ	(جمع رسول) پیامبر، فرستاده	رُسُلٌ
تلاوت می کند	يَتْلُوا	گمراهی، انحراف	ضَلَالٌ
پاک می کند	يُزَكِّي	کتاب، کتاب های آسمانی	كِتَابٌ
می آموزد، آموزش می دهد	يُعَلِّمُ	آشکار، روشن	مُبِينٌ
به پا می دارد، برمی خیزد	يَقُومُ	(جمع مُبَشِّر) بشارت دهنده	مُبَشِّرِينَ
اگر، اگرچه (أَنْ = این که)	إِنْ	(جمع مُنذِر) بیم دهنده	مُنذِرِينَ

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵/۴).

۲. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۲۵/۵۷).

۳. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲/۲۲).

۴. كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۱۵۱/۲).

۵. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ. (۱)  
 ۶. رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۲۹/۲).

یادسپاری: لفظ «كان» و مشتقات آن (از فعل ماضی و مضارع) وقتی بر سر فعلی (ماضی یا مضارع) بیایند، دلالت بر استمرار می‌کند؛ مانند: لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ، یعنی: نمی‌دانستید؛ كُنْتُ أَكْتُبُ، یعنی: می‌نوشتم؛ كَانُ يَكْتُبُ، یعنی: می‌نوشت.



### ۳ - آشنایی با اصول عقائد

#### (ضرورت بعثت انبیاء)

انسان وقتی که به جهان آفرینش نظر می‌کند، نمی‌تواند باور نماید که جهان آفرینش بی‌هدف آفریده شده باشد؛ و در مبحث خداشناسی روشن گردید که خداوند حکیم، جهان را برای هدفی آفریده است.

هدف از خلقت انسان‌ها «تکامل ابدی و داشتن زندگی جاودانه» است.

انسان‌ها حداکثر با عقل خود می‌توانند مسائل مربوط به زندگی دنیوی را درک نمایند، اما در مسائل مربوط به سعادت و کمال، آینده‌ی زندگی و جهان گسترده‌ی پس از مرگ، ناتوانند، از این‌رو خداوند حکیم، پیامبرانی معصوم را برای راهنمایی انسان‌ها جهت رسیدن به کمال واقعی فرستاد است ﴿وَيُزَكِّيْكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾.

یکی دیگر از اهداف بعثت انبیاء، «برقراری عدالت اجتماعی در جامعه» است، و خداوند پیامبرانی را فرستاد با دلائلی روشن «بینات» که شامل معجزات و دلائل عقلی بر حقانیت دعوت آنهاست، همراه با «کتاب» که شامل بیان معارف و عقائد و احکام و اخلاق است، و «میزان» که به معنی قوانینی است که معیار سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها و حق از باطل می‌باشد، تا جوامع انسانی بر اثر تربیت انبیاء، عدل و داد را در جامعه برقرار سازند ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾.

یکی دیگر از اهداف بعثت انبیاء، «اتمام حجّت» بر انسان‌های لجوج و خودخواهی است که دعوت انبیاء را مخالف منافع اعمال خویش می‌بینند و از پذیرش آن سرباز می‌زنند؛ تا روز قیامت، ادعا نکنند که اگر پیامبران الهی آمده بودند، با آغوش باز از آنها استقبال می‌کردیم، ﴿لَئِنَّا لَيَكُونَنَّ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾.



۴ - آشنایی با زبان قرآن

(ساختار فعل مضارع)

«فعل مضارع»، از «فعل ماضی» ساخته می‌شود به این ترتیب:

- ۱ - یکی از حروف مضارعه «ی، ت، ا، ن» را بر سر فعل ماضی می‌آوریم؛
- ۲ - فاء الفعل آن را ساکن می‌کنیم؛
- ۳ - عین الفعل را با مراجعه به «لغت‌نامه» تغییر می‌دهیم؛
- ۴ - آخر آن را رفع می‌دهیم (رفع دادن به اضافه کردن ضمه یا نون مفتوح و مکسور به آخر آن می‌باشد مانند: یَضْرِبُ، یَضْرِبَانِ، یَضْرِبُونَ)؛

معنا	فعل	لفظ یا صیغه	
(آن يك مرد) یاری می‌کند	يَنْصُرُ	مفرد	غایب مذکر
(آن دومرد) یاری می‌کنند	يَنْصُرَانِ	مُثَنِّي	
(آن مردان) یاری می‌کنند	يَنْصُرُونَ	جمع	
(آن يك زن) یاری می‌کند	تَنْصُرُ	مفرد	غایب مؤنث
(آن دوزن) یاری می‌کنند	تَنْصُرَانِ	مُثَنِّي	
(آن زنان) یاری می‌کنند	تَنْصُرْنَ	جمع	
(تو يك مرد) یاری می‌کنی	تَنْصُرُ	مفرد	مخاطب مذکر
(شما دومرد) یاری می‌کنید	تَنْصُرَانِ	مُثَنِّي	
(شما مردان) یاری می‌کنید	تَنْصُرُونَ	جمع	
(تو يك زن) یاری می‌کنی	تَنْصُرُ	مفرد	مخاطب مؤنث
(شما دوزن) یاری می‌کنید	تَنْصُرَانِ	مُثَنِّي	
(شما زنان) یاری می‌کنید	تَنْصُرْنَ	جمع	



متکلم	وحده	أَنْصُرُ	(مَنْ) یاری می‌کنم
	مع الغیر	نَنْصُرُ	(مَا) یاری می‌کنیم

یادسپاری: ضمیر فاعلی در مضارع نیز یا بارز و آشکار است؛ مانند: «الف» در مُثَنَّى‌های مذکر و مؤنث (يَضْرِبَانِ، تَضْرِبَانِ)¹، «واو» در جمع‌های مذکر (يَضْرِبُونَ، تَضْرِبُونَ)، «نون» در جمع‌های مؤنث (يَضْرِبْنَ، تَضْرِبْنَ)، «ی» در مفرد مؤنث مخالط (تَضْرِبِينَ).

و یا ضمیر فاعلی مستتر و پنهان است؛ مانند: «هُوَ» در يَضْرِبُ (مفرد، مذکر، غایب)، «هِيَ» در تَضْرِبُ (مفرد مؤنث غایب)، «أَنْتَ» در تَضْرِبُ (مفرد مذکر مخاطب)، «أَنَا» در أَضْرِبُ (متکلم وحده) و «نَحْنُ» در نَضْرِبُ (متکلم مع الغیر).

---

۱. در «يَضْرِبَانِ»، الف نشانه «مثنی» بودن فعل و نون مسکور، نشانه مرفوع بودن می‌باشد و همچنین در «يَضْرِبُونَ»، واو نشانه «جمع» بودن فعل و نون مفتوح نشانه مرفوع بودن آن است.

## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ (۷۲/۳۷) قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ (۱۹/۱۹)  
 وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷/۳۱) وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ (۱۴۴/۳)  
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ (۱۷۰/۴)  
 إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ (۱۰۵/۴)  
 كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۱/۴)  
 وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (۱)  
 بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ  
 يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲)

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - چهارده صیغه افعال «يُحْكُمُ وَيَجْمَعُ» را بنویسید با معانی آنها؛

۴ - ۵ - چهارده فعل مضارع، چند ضمیر بارز و چند ضمیر مستتر دارند؟

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «ضرورت بعثت انبیاء» چه فهمیدید، به

صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. (۳۶/۱۶) اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ = از طاغوت اجتناب (دوری) کنید.

## درس دهم

### راه‌های شناخت پیامبران

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
شتر ماده	نَاقَةٌ	جمع شود	اجْتَمَعَتْ
شک و تردید کرد	ارْتَابَ	برادر	أَخٌ
این که بیاورند	أَنْ يَأْتُوا	انسان	إِنْسٌ
می نویسی	تَخُطُّ	دلیل روشن (معجزه)	بَيِّنَةٌ
آوردم بسوی شما	جِئْتُكُمْ بِـ	پیش از من	بَيْنَ يَدَيَّ
آمد	جَاءَتْ	پشتیبان	ظَهِيرٌ
نمی‌توانند بیاورند	لَا يَأْتُونَ	(جمع مؤمن) ایمان آورندگان	مُؤْمِنِينَ
می‌آید	يَأْتِي	باطل‌گرایان، اهل باطل	مُبْطِلُونَ
پیروی می‌کنند	يَتَّبِعُونَ	تصدیق کننده	مُصَدِّقٌ
می‌یابند	يَجِدُونَ	خوب، پسندیده	مَعْرُوفٌ
دست راست	يَمِينٌ	نوشته شده	مَكْتُوبٌ
نهی می‌کند	يَنْهَى	ناخوشایند	مُنْكَرٌ

۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ... إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۴۹/۳).

۲. وَإِلَىٰ ثَمُودَ<sup>(۱)</sup> أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ (۷۳/۷).

۳. قُلْ لئن لَئِن<sup>(۲)</sup> اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۸۸/۱۷).

۴. وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ... وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (۴۸/۲۹).

۵. وَإِذْ قَالَ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (۶/۶۱).

۶. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ<sup>(۳)</sup>.

۱. ثوم ثمود؛

۲. لئن = لَ + ان.

۳. ۱۵۷/۷.



### ۳ - آشنایی با اصول عقائد

#### (راه‌های شناخت پیامبران)

بدون شک هیچ ادعایی را بدون دلیل نمی‌توان پذیرفت، به ویژه ادعای بسیار مهمی همچون پیامبری از طرف خداوند متعال، از این‌رو معیارهایی برای شناخت پیامبران راستین از مدعیان دروغین، لازم است که یکی از آنها «اعجاز» می‌باشد.

«اعجاز»، یعنی: «انجام امور خارق العاده‌ای که از توانایی بشر بیرون است» و مدعی نبوت آن را برای اثبات ارتباط خود با خداوند متعال انجام می‌دهد و همه را برای مقابله و معارضه دعوت می‌نماید ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ﴾.

راه دوم برای شناخت پیامبر، آن است که پیامبر قبلی که نبوت او با دلیل ثابت شده با ذکر نام و مشخصات، پیامبر آینده را معرفی نماید ﴿وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾.

راه سوم برای شناخت پیامبر، قرائن و شواهدی است که در مجموع، موجب یقین به پیامبری و رسالت مدعی نبوت می‌شود؛ از جمله:

۱ - بررسی خصوصیات روحی و اخلاقی مدعی نبوت به طوری که بین مردم، مشهور به پاکی و فضیلت بوده باشد؛

۲ - بررسی محتویات آیین و دستورات او از نظر عقلی و منطبق بودن آیینش با معارف الهی و فضایل انسانی؛

۳ - ثبات و استقامت او در دعوت و مطابقت عمل او با قولش؛

۴ - بررسی وضع پیروان او و شناخت مخالفینش؛

۵ - چگونگی تبلیغ او و همچنین توجه برای اثبات آیینش از چه وسایلی و از

چه راه‌هایی استفاده می‌کند.

## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## «حالات فعل ماضی و مضارع»

۱ - فعل ماضی و مضارع، «مثبت» هستند؛ یعنی بر واقع شدن کار یا حالتی دلالت می‌کنند؛ اگر بخواهیم فعل ماضی یا مضارع را «منفی» نماییم، بر سر آنها، «حرف نفی» می‌آوریم.

«حروف نفی»، عبارتند از: «لَنْ، لَمْ، لَا، مَا، إِنْ».

«لَنْ»، فعل مضارع را مختص زمان آینده نموده و آن را منفی نیز می‌کند؛ مانند:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ...﴾ (۳۱/۳۴).

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (۱۴۱/۴).

«لَمْ»، فعل مضارع را به ماضی تبدیل نموده و آن را منفی نیز می‌کند؛ مانند:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۱۰۶/۲).

﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (۴۰/۲۴).

«لَا»؛ برای نفی ماضی و آینده است؛ و اضافه بر فعل، بر سر اسم هم می‌آید؛ مانند:

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ (۳۱/۷۵). ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (۳۳/۲).

﴿وَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...﴾ (۱۶۳/۲).

«مَا» و «إِنْ» برای نفی ماضی و حال است؛ و اضافه بر فعل، بر سر اسم هم

می‌آید؛ مانند:

﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا...﴾ (۱۰۲/۲).

﴿وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ﴾ (۹۹/۲). ﴿وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (۷۴/۲).

﴿وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ﴾ (۱۰۷/۹). ﴿إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾ (۵/۱۸).

﴿إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ﴾ (۲۰/۶۷).

لازم به یادسپاری است که بعد از «إِنْ» نافی، همیشه «إِلَّا» آمده است؛ از این

رو تمیز دادن آن از «إِنْ شرطیه» که به معنای «اگر» می‌باشد، آسان است.



## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ (۳۸/۱۳).

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَآخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ<sup>(۱)</sup> (۴۵/۳۳).

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۹/۲).

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ<sup>(۲)</sup> وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ (۲۵/۵۷).

وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا (۱۰۱/۸).

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ (۳۳/۲).

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ (۴۷/۳۰).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - برای منفی نمودن کلمات از چه حروفی استفاده می‌شود، با ذکر مثال

بنویسید؛

۴ - ۵ - حروف نفی، از نظر زمانی چه تغییراتی در کلمات ایجاد می‌کنند؟

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «راه‌های شناخت پیامبران» چه فهمیدید، به

صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. سُلْطَانٍ مُّبِينٍ = دلیل روشن.

۲. بیّنات: جمع بینه، معجزات و دلیل‌های روشن.



## درس یازدهم

### دلایل نبوت پیامبر اسلام ﷺ

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
جمع ظَلَمَت = تاریکی	ظُلُمَات	مزد و پاداش	أَجْر
سخت و دشوار است بر او	عَزِيزٌ عَلَيْهِ	بار سنگین	إِصْرٌ
نوردهنده، درخشان	مُنِيرٌ	جمع غُلَّ = زنجیر	أَغْلَالٌ
جمع نُذِرٌ = بیم دهنده	نَذِيرٌ	بسیار علاقمند	حَرِيصٌ
وحی کردیم، الهام کردیم	أَوْحَيْنَا	جمع خبیث = ناپاک	خَبَائِثٌ
(جمع شدید) سرسخت	أَشِدَّاءُ	دعوت کننده	دَاعِيٌ
درسختی و مشقت درافتید	عَنِتُّمْ	مهربان، بسیار مهربان	رَعُوفٌ
کفایت می کند، کافی است	كُفِيَ	تذکر و یادآوری	ذِكْرِي
درخواست نمی کنم	لَا أَسْأَلُ	چراغ روشنی بخش	سِرَاجٌ
حرام می کند، ممنوع می کند	يُحَرِّمُ	گواه، شاهد	شَاهِدٌ، شَهِيدٌ
حلال می کند	يُحِلُّ	راه	صِرَاطٌ
برمی دارد	يَضَعُ	جمع طیب = پاک و پاکیزه	طَيِّبَاتٌ

٢ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

١. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَذَاعِبًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (٤٤-٤٥/٣٣)

٢. كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (١/١٤).

٣. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (١٦٤/٣).

٤. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (١٢٨/٩).

٥. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (١٥٧/٧).

٦. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ<sup>(١)</sup> بَيْنَهُمْ.

١. (٢٩/٤٩) رُحَمَاءُ = جمع رحيم.

## ۳ - آشنایی با اصول عقائد

## (دلائل نبوت پیامبر اسلام ﷺ)

معیارهایی که برای شناخت پیامبران راستین بیان کردیم، معیار رسالت پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نیز می‌باشد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

## ۱ - اعجاز:

قرآن معجزه دائمی پیامبر اسلام ﷺ است که جاویدان و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها تا قیامت می‌باشد، قرآن یک معجزه گویاست که برای همیشه مخالفان را به مبارزه دعوت می‌کند و می‌گوید: اگر می‌توانید سوره‌ای مانند آن را بیاورید ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ﴾؛ و اکنون پیش از چهارده قرن از این دعوت گذشته و هنوز کسی نتوانسته مقابله کند و همانند قرآن را بیاورد و تا قیامت هم نخواهند توانست.

## ۲ - تصدیق پیامبران پیشین

یکی از راه‌های اثبات ادعای نبوت، تصدیق پیامبر پیشین بود، چرا که فرض بر این است: نبوت پیامبر پیشین با دلایل قطعی ثابت شده و طبعاً گفتار او می‌تواند سندی قاطع بر استواری نبوت بعدی قلمداد شود، قرآن می‌فرماید: نشانه‌های نبوت اسلام در کتاب‌های آسمانی قبل، بیان شده و آنها پیامبر را همچون فرزندان خود می‌شناختند ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾؛ پیامبر گرامی اسلام، مدعی این معنا شد و کسی نیز او را تکذیب نکرد.

## ۳ - قرائن و شواهد نبوت پیامبر اسلام

مردم قریش پیامبر گرامی اسلام را پیش از مبعوث شدن به رسالت، «محمد امین» خوانده و اشیای گرانبها را نزد او به امانت می‌گذاشتند و با آن‌که در محیطی زندگی می‌کرد که جز بُت‌پرستی و ستم و یغماگری حاکم نبود، اما او انسان



والایی بود که به هیچ وجه آلوده به این گونه رداییل عقیدتی و اخلاقی نشده و مردم را بر ضد آنچه که در محیط وی رواج داشت فرا خواند.

ابزار دعوتش کاملاً انسانی و اخلاقی بود و هرگز از روش‌های ضدانسانی استفاده ننمود. در مدت بیست و سه سال، وضع جزیره العرب را دگرگون ساخت و نه تنها تمدن باشکوه را در محیط سکونت خود برپا خاست، بلکه تمدن بی نظیر اسلامی را به مناطق دیگر نیز گسترش داد.

#### ۴ - آشنایی با زبان قرآن

##### (حالات فعل ماضی و مضارع)

۳ - فعل ماضی و مضارع، «خبری» هستند، یعنی خبر از واقع شدن یا پدید آمدن حالتی می‌دهند، اگر بخواهیم فعل ماضی و مضارع را به پرسشی (استفهامی) تبدیل نماییم، بر سر آنها، «حروف استفهام» می‌آوریم.

«حروف استفهام»، عبارتند از «أ» و «هَلْ»؛ مانند:

كَفَرْتَ (كفر ورزیدی)، أَكْفَرْتَ (آیا كفر ورزیدی)

﴿أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ...﴾ (۳۷/۱۸).

تَقُولُونَ (می‌گویید)، أَتَقُولُونَ (آیا می‌گویید)

﴿أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (۲۸/۱۰).

عَلِمْتُمْ (دانستید)، هَلْ عَلِمْتُمْ (آیا دانستید)

﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ...﴾ (۸۹/۱۲).

يَسْتَوِي (یکسان می‌باشد)، هَلْ يَسْتَوِي (آیا یکسان می‌باشد)

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (۹/۳۹).

۴ - فعل مضارع، از نظر زمان، بین حال و آینده مشترک است، اگر بخواهیم فقط معنای «آینده و مستقبل» دهد، حرف «س» یا «سوف» را بر سر آن می‌آوریم؛ مانند:

يَجْزُونَ (جزا داده می‌شوند)، سَيَجْزُونَ (به زودی جزا داده می‌شوند)

﴿سَيَجْزُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (۱۸۰/۷).

أَسْتَغْفِرُ (طلب مغفرت می‌کنم)، سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ (به زودی طلب مغفرت می‌کنم)

﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي﴾ (۹۸/۱۲).

## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۷۹/۴).

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا (۱۵۸/۷).

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ (۱۷۰/۴).

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ (۱۶۳/۴).

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ

رَسُولًا (۱۵/۳۳).

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۱۳۸/۶).

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۹/۳۶).

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ (۲۵/۵۷).

۲ - ۵ - دو - صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید؛

۳ - ۵ - برای استفهامی نمودن فعل، از چه کلماتی استفاده می‌شود، با ذکر

مثال بنویسید؛

۴ - ۵ - فعل مضارع، با چه کلماتی دلالت بر آینده می‌کند، با ذکر مثال؛

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «دلائل نبوت پیامبر اسلام ﷺ» چه فهمیدید،

به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس دوازدهم

### خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید:

معنا	لغت	معنا	لغت
ایمان بیاورید	ءَامِنُوا	نیست این مگر	إِنْ هُوَ إِلَّا
پیروی کنید	إِتَّبِعُوا	نزد او، پیش او	بَيْنَ يَدَيْهِ
بیم دهم، بترسانم	أَنْذِرَ	مبارک و پربرکت است	تَبَارَكَ
وحی شده	أَوْحَى	نازل شده، فرود آمده	تَنْزِيلٍ
بیزار	بَرِيءٌ	آخر، پایان	خَاتَمٌ
رسید	بَلَغَ	پشت سر	خَلْفَ
شریک قرار می دهید	تُشْرِكُونَ	جمع رَجُلٌ: مرد	رِجَالٍ
کفر بورزید، کافر شوید	تَكْفِرُوا	جداکننده حق از باطل (قرآن)	فُرْقَانٍ
شهادت می دهید	تَشْهَدُونَ	همگی	كَافَّةً
هدایت شوید	تَهْتَدُونَ	جمع کلمه: سخن - گفتار	كَلِمَاتٍ
تا اینکه باشد	لِيَكُونَ	شاید، امید است	لَعَلَّ
ایمان می آورد	يُؤْمِنُ	مدعیان دروغگو	مُتَكَلِّفِينَ



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

۱. مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰/۳۳).
۲. تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۱/۲۵).
۳. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷/۲۱).
۴. قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ (۲) أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۹۰/۶).
۵. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (۲۸/۳۴).
۶. وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ غَالِثَةً أُخْرَىٰ (۳) قُلْ لَا أَشْهَدُ (۴) قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ وَإِنِّى بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۱۹/۶).
۷. وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲/۴۱).
۸. قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِى لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا هُوَ يُحْيِى وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِىِّ الْأُمِّىِّ الَّذِى يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۵).

۱. آبا احد: پدر یکى.

۲. اشاره به رسالت پیامبر دارد.

۳. أُخرى: دیگرى.

۴. أَشْهَدُ: متکلم وحده يعنى: شهادت مى دهم، لا أَشْهَدُ: شهادت نمى دهم



## ۳ - آشنایی با اصول عقائد

## (خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ)

حضرت محمد ﷺ آخرین پیامبر خداست و سلسله نبوت به او ختم می شود و از القاب آن حضرت، «خاتم الانبیاء» است. خاتم به کسر یا فتح تاء (خاتم، خاتم) هر دو به معنای تمامیت و پایان هر چیزی است، از این رو عرب به انگشتر خاتم (به فتح) می گوید؛ چونکه انگشتر در آن زمان، مهر و به منزله امضای افراد بوده و چون نامه ای می نوشتند، آخر آن را با انگشتر خود مهر می کردند.

خاتمیت پیامبر گرامی اسلام از ضروریات اسلام است و هر مسلمانی می داند که بعد از حضرت محمد ﷺ تا قیامت پیامبری نخواهد آمد.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾

ممکن است سؤال شود با اینکه جامعه بشری دائماً در حال تحول و دگرگونی است، چگونه می شود با قوانین ثابت و بدون تغییر پاسخگوی نیازهای جامعه بود و چگونه می شود پیامبر اسلام، خاتم پیامبران باشد و دیگر نیازی به پیامبری نباشد؟

پاسخ آنکه: اسلام دین جامعی است که با فطرت انسان ها هماهنگ می باشد و روشن است که در فطریات هیچگونه تغییری نیست، اضافه بر آن، خداوند بعد از پیامبر اسلام، بشریت را بدون رهبر رها نکرده بلکه امامان معصومی را به عنوان جانشینان آن حضرت قرار داده که راه او را تا قیامت ادامه دهند.

در درس های آینده با فلسفه نصب و تعیین امامان معصوم از طرف خداوند، آشنا خواهیم شد.



## ۴ - آشنایی با زبان قرآن

## (حالات فعل ماضی و مضارع)

۱ - فعل «کان»، (ماضی است و تمامی ساختار چهارگانه آن) بر ثبوت خبر در زمان گذشته دلالت می‌کند، مانند:

﴿إِنَّ فَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى﴾ (۷۶/۲۸).

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (۸۷/۲۱).

اما گاهی «کان» بر هر سه زمان دلالت می‌کند و این از قرائن موجود در کلام، فهمیده می‌شود؛ مانند:

﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (۳۰/۷۱).

﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ (۷۶/۴).

۲ - اگر فعل «کان»، (و ساختار چهارگانه آن) بر سر فعل مضارع درآید، بیشتر وقت‌ها معنای مضارع را به ماضی استمراری، تبدیل خواهد کرد؛ مانند:

﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ (۱۰/۲).

﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (۳۳/۱۶).

۱ - در مواردی که فعل «کان» برای توصیف خداوند متعال به صفتی به کار رود، «کان» را به «است» ترجمه می‌کنیم، زیرا صفات الهی همیشگی و ثابتند و اختصاص به زمان خاصی ندارد، از این رو ترجمه آیه می‌شود: براستی خداوند دانای باحکمت است.

یادسپاری: کلمه «آی» در قرآن به معانی زیر به کار رفته است:

۱ - استفهام (کدام، چه...)، مانند:

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً (۱۹۶).

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۲/۶۷).

۲ - شرطی (هر کدام، هر چه)، که در این صورت به «ما» متصل می شود، مانند:

أَيُّمَّا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ (۲۸/۲۸).

أَيُّمَا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۱۱۰/۱۷).

۳ - زائده (ومعنا نمی شود)، که در این صورت به ضمیمه حرف «ها» بعد از

«یای نداء» می آید، مانند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ (۲۸/۵۷).

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ (۱۵۸/۲).



## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ (۴۱/۳۹).

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۱۰۴/۱۲).

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ  
لِلْعَالَمِينَ (۸۷/۳۸).

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا  
يَعْلَمُونَ (۲۸/۳۴).

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ  
وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا  
حَكِيمًا (۱۷۱/۴).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلمات که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - اگر فعل «کان» و ساختار چهارگانه آن بر سر فعل مضارع درآیند،

بیشتر وقت‌ها زمان فعل مضارع را به چه زمانی تبدیل خواهند کرد؟ با ذکر مثال.

۴ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ» چه

فهمیدید؟ به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

## درس سیزدهم

### امامت

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
اطاعت کنید، پیروی کنید	أَطِيعُوا	هنگامی که، زمانی که	إِذَا
کامل کردم	أَكْمَلْتُ	پیشوا، رهبر	إِمَام
نازل شد	أُنزِلَ	صاحبان امر <sup>(۱)</sup>	أُولِيَ الْأَمْرِ
ابلاغ کن (ما بَلَّغْتَ: ابلاغ نکردی)	بَلِّغْ	قرار دهنده	جَاعِلٌ
انجام دادی (لَمْ تَفْعَلْ: انجام ندهی)	تَفَعَّلَ	فرزندان	ذُرِّيَّةٌ
جهاد کردند	جَاهَدُوا	رسالت، پیام	رِسَالَةً
راضی شدم، خشنود شدم	رَضِيتُ	راستگویان	صَادِقِينَ
نترسید	لَا تَخْشَوْا	پیمان	عَهْدٌ
شک و تردید نکردند	لَمْ يَرْتَابُوا	امتحان کرد، آزمود	إِبْتَلَى
ناامید شد	يَيْسٌ	تمام کرد	أَتَمَّتْ
نگه می دارد، حفظ می کند	يَعِصِمُ	تمام کرد، انجام رساند	أَتَمَّ
می رسد (لاینال: نمی رسد)	يُنَالُ	بترسید از من	إِخْشَوْنِ

(۱) مراد جانشینان به حق پیامبر می باشند که ائمه معصومین هستند.



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت و سپس ترجمه نمایید.

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۱۱۹/۹).
۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ... (۵۹/۴).
۳. وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴/۲).
۴. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ<sup>(۱)</sup>.
۵. الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا... (۳/۵).
۶. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵/۴۹).
۷. وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳/۱۳).

### ۳ - آشنایی با اصول عقائد

#### (امامت)

«امامت» در مکتب تشیع، یکی از «اصول دین» است و وظایف امام در این مکتب، در راستای وظایف پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد، یعنی فلسفه بعثت پیامبران با فلسفه نصب و تعیین امام از طرف خداوند یکی است و همان دلائلی که ایجاب می‌کرد خداوند رسولی را بفرستد، همان‌ها ایجاب می‌کند که پس از پیامبر اسلام، امامی را منصوب نماید تا عهده‌دار وظایف رسالت باشد.

علم وسیع و گسترده، عصمت و مصونیت از گناه و خطا، از شرایط اصلی و اساسی امام است و شناسایی چنین فردی جز از راه وحی ممکن نیست، از این‌رو شیعه معتقد است که مقام امامت، یک منصب الهی است و امام باید از جانب خداوند منصوب و مُعین گردد. «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۱۲۴/۲).

شیعه معتقد است که خداوند، جانشین پیامبر اسلام را مُعین فرموده و با نزول آیه «تبلیغ» از آن حضرت خواسته تا حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان امام معرفی نماید «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...».

لحن آیه، نشان می‌دهد که سخن از مأموریت سنگینی است که بر دوش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار داده شده و نگرانی‌های خاصی از هر سو، آن را فرا گرفته است (از جمله مخالفت‌هایی از سوی گروهی از مردم)، از این‌رو آیه با تأکید به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان ابلاغ آن را می‌دهد و در برابر خطرات احتمالی و نگرانی‌ها به او اطمینان خاطر می‌دهد.

ظاهر آیه، نشان می‌دهد که ابلاغ حکمی بوده، همسنگ و هموزن رسالت که اگر ابلاغ نمی‌شد، حق رسالت، ادا نشده بود، آیا چیزی جز مسأله جانشین و



خلافت پیامبر می تواند باشد؟ به ویژه اینکه آیه در اواخر عمر پیامبر ﷺ نازل شده است و تناسب با مسأله خلافت دارد که تداوم مسأله نبوت و رسالت پیامبر گرامی اسلام ﷺ می باشد.

از این رو می بینیم بلافاصله، آیه «اکمال دین» نازل می شود ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾. که گواه دیگری بر مهم بودن مسأله ابلاغ را می رساند که همان مسأله رهبری و جانشین پیامبر ﷺ می باشد.

اضافه بر آیات فوق، روایات مستند و معتبری در کتاب های اهل سنت در تأیید مطلب فوق آمده که جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نمی گذارد.

#### ۴ - آشنایی با زبان قرآن

##### (ساختار فعل امر ۱)

«امر»، در لغت به معنای: «دستور و فرمان» است و در اصطلاح بر «طلب انجام کار یا پدید آمدن حالتی در زمان آینده» دلالت می کند، مانند:

أَطِيعُوا (اطاعت کنید)، بَلِّغْ (ابلاغ کن)

فعل امر، مانند فعل مضارع دارای چهارده صیغه است و بر دو نوع می باشد:

۱ - امر به لام: شش صیغه غایب و دو صیغه متکلم؛

۲ - امر به صیغه: شش صیغه مخاطب.

##### نحوه ساختن امر به لام

امر به لام، از شش صیغه غایب و دو صیغه متکلم، به شرح ذیل ساخته می شود:

۱ - لام مکسوری (ل) را بر سر مضارع درمی آوریم: لِيَضْرِبْ؛



۲ - آخر آن را «جزم» می‌دهیم: لِيَضْرِبُ.

«جزم» در لغت، به معنای «بریدن و قطع کردن» است و در اصطلاح، «حذف

علائم رفع (ـُ، نِ، ن) می‌باشد»، مانند:

يَضْرِبُ - لِيَضْرِبُ - لِيَضْرِبُ (باید بزند)

يَضْرِبَانِ - لِيَضْرِبَانِ - لِيَضْرِبَانِ (باید بزنید)

يَضْرِبُونَ - لِيَضْرِبُونَ - لِيَضْرِبُونَ (باید بزنید)

ساختار هشتگانه امر به لام، بر اساس فعل «نَصَرَ، يَنْصُرُ».

معنا	مؤنث	مذکر	لفظ یا صیغه	
باید یاری کند (آن يك نفر)	لَتَنْصُرُ	لِيَنْصُرُ	مفرد	غایب
باید یاری کنند (آن دو نفر)	لَتَنْصُرَا	لِيَنْصُرَا	مثنی	
باید یاری کنند (آن چند نفر)	لِيَنْصُرْنَ	لِيَنْصُرُوا	جمع	
باید یاری کنم (من)	لَاَنْصُرُ	لَاَنْصُرُ	وحده	متکلم
باید یاری کنیم (ما)	لَتَنْصُرُ	لَتَنْصُرُ	مع الغیر	

چند نکته:

۱ - حرف «نون» در «لِيَنْصُرْنَ»، نشانه رفع نیست، بلکه نشانه جمع مؤنث

می‌باشد، از این رو حذف نمی‌شود.

۲ - هرگاه قبل از امر به لام، حرف «واو» یا «فاء» بیاید، جایز است لام امر

ساکن شود، مانند:

لِيَحْكَمْ - وَلِيَحْكَمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ (٤٧/٥).

لِيَعْبُدُوا - فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (٣/١٠٦).



## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید.

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۳/۴).  
 وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ<sup>(۱)</sup>.  
 وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ  
 الْمُبِينُ (۱۲/۶۴).

مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا<sup>(۲)</sup> وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ  
 اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷/۵۹).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، و در هنگام قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - برای تشکیل «امر به لام» چه مراحل را طی می‌نماییم؟

۴ - ۵ - ساختار هشتگانه «امر به لام»، افعال «يَفْعَلُ» و «يَعِصِمُ» را نوشته و ترجمه و معنی آنها را مقابلشان بنویسید.

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «امامت» چه فهمیدید؟ به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

---

۱. ۵۶/۲۴.

۲. فَانْتَهُوا: پس دست بردارید.

## درس چهاردهم

### ویژگی‌های امام از نظر قرآن

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
پخش کردند، منتشر کردند	أَذَاعُوا	آیا (أَفَمَنْ: پس آیا کسی که)	أُحْرَفِ اسْتِفْهَامُ
پرسید (فَسَأَلُوا: پس پرسید)	إِسْأَلُوا	کار، چیزی	أَمْرٌ
حکم می‌کنید	تَحْكُمُونَ	شایسته‌تر، سزاوارتر	أَحَقُّ
بازگردانند، ارجاع دهند	رُدُّوْا	اهل علم، آگاهان	أَهْلُ الدِّكْرِ
هدایت نمی‌شود	لَا يَهْدِي	پلیدی، آلودگی	رِجْسٌ
پیروی شود	يَتَّبِعُ	رکوع کنندگان	رَاكِعُونَ
از بین ببرد	يُذْهِبُ	نزد (عِنْدَهُ: نزد او)	عِنْدٌ
می‌دهند	يُؤْتُونَ	نزدیکان - خویشاوند	قُرْبَى
استنباط می‌کنند، استخراج می‌کنند	يَسْتَنْبِطُونَ	نیستی	لَسَتْ
پاک‌کند (تطهیر: پاک کردن)	يُطَهِّرُ	فرستاده شده	مُرْسِلٌ
به پا می‌دارند	يُقِيمُونَ	دوستی	مَوَدَّةٌ
هدایت می‌کند	يَهْدِي	سرپرست	وَلِيٌّ



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت و سپس ترجمه نمایید.

۱. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا<sup>(۱)</sup>.

۲. فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۴۳/۱۶).

۳. أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۵/۱۰).

۴. وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳/۱۳).

۵. إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ (۵۵/۵).

۶. وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدْعَاؤُهُ بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (۸۳/۴).

۷. قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ (۳۳/۴۲).

۸. قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا<sup>(۲)</sup>.

۱. ۳۳/۳۳.

۲. ۵۷/۲۵.

## ۳ - آشنایی با اصول عقائد

## «ویژگی‌های امام از نظر قرآن»

«امام» به عنوان جانشین پیامبر، حافظ و نگهبان دین و تبیین کننده اصول و فروع و تعقیب کننده تمام وظایف مقام نبوت است؛ از این رو باید از هر خطا و لغزشی، معصوم بوده و أعلم و أفضل از همه انسان‌ها باشد. و مردم قطعاً نمی‌توانند چنین شخصی را انتخاب نمایند، پس تنها خداوند متعال که از باطن و آینده همه انسان‌ها آگاه است، سزاوارترین شخص را برای امامت انتخاب و شئون لازم را به او عنایت نموده و به مردم معرفی می‌نماید.

از نظر قرآن، سنت و ضرورت عقلی، «عصمت» یکی از شرایط اساسی امامت می‌باشد و غیر معصوم هرگز لایق این مقام نمی‌باشد، به دلائلی که در بحث نبوت برای لزوم عصمت انبیاء، بیان شد.

طبق احادیث متواتر و بی‌شماری که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است، «آیه تطهیر»، درباره پیامبر و اهل بیت آن حضرت علیهم‌السلام نازل شده است.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾.

اضافه بر آن، امام باید احکام و قوانینی که برای سعادت دنیوی و اخروی مردم، ضرورت دارد بداند، یعنی امام باید از همه مردم روی زمین، علمش بیشتر باشد تا لیاقت رهبری آنها را داشته باشد؛ قرآن به این موضوع، اینگونه اشاره می‌کند: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾.

شیعه بر این عقیده است که خداوند متعال، در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نزول آیاتی، ویژگی‌های امام و جانشین آن حضرت را معرفی فرموده است، از جمله آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.



مفسرین سنی و شیعه، اتفاق دارند که آیه مذکور در شأن حضرت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شده است و روایات بسیاری از عامه و خاصه نیز بر آن دلالت دارد.

و با نزول «آیه تبلیغ» از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواسته است تا حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به عنوان امام و جانشین خود معرفی نماید. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾

#### ۴ - آشنایی با زبان قرآن

##### «ساختار فعل امر (۲)»

در درس قبل با نحوه ساختن «امر به لام» آشنا شدیم، در این درس با نحوه ساختن «امر به صیغه» آشنا خواهیم شد.

##### نحوه ساختن امر به صیغه

«امر به صیغه»، از شش صیغه مخاطب فعل مضارع به ترتیب ذیل ساخته می‌شود:

۱ - حرف مضارعه (ت) را از اول آن برمی‌داریم:

تُبَلِّغُ - بَلِّغُ      تَضْرِبُ - ضَرْبُ

۲ - علایم رفع را از آخر آن، حذف می‌نماییم:

بَلِّغُ - بَلِّغُ      ضَرْبُ - ضَرْبُ

۳ - پس از حذف حرف مضارعه، اگر اولین حرف، ساکن باشد، برای پرهیز از ابتدای به ساکن، «همزه متحرکی» به نام «همزه وصل» بر سر آن می‌آوریم (چرا که ابتدا به ساکن در عربی مشکل و یا غیرممکن است)، به این صورت:

ضَرْبُ - إِضْرِبُ

ویژگی‌های «همزه وصل» این است که در ابتدا کلام، خوانده می‌شود ولی در وسط کلام، خوانده نمی‌شود، چرا که حرف ساکن به کمک حرف متحرک قبل از خود خوانده می‌شود، مانند:

أَنْظُرُ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ (۹/۲۵).

فَأَنْظُرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (۳۹/۱۰).

یادسپاری: حرکت همزه وصل، بستگی به حرکت «عین الفعل مضاع» و یا دومین حرف بعد از همزه وصل دارد.

اگر عین الفعل مضارع و یا دومین حرف بعد از همزه وصل، مفتوح یا مکسور باشد، همزه وصل را با کسره می‌خوانیم، مانند:

تَضْرِبُ - ضَرِبُ - اِضْرِبُ + اِضْرِبْ

تَعْلَمُ - عَلِمَ - اِعْلَمُ + اِعْلَمْ

اگر عین الفعل مضارع و یا دومین حرف بعد از همزه وصل، مضموم باشد، همزه وصل را با ضمّه می‌خوانیم، مانند:

تَنْصُرُ - نَصْرُ - اُنْصُرُ + اُنْصُرْ

ساختار ششگانه امر به صیغه، بر اساس فعل «نَصَرَ، يَنْصُرُ».

معنا	مؤنث	مذكر	لفظ یا صیغه	
یاری کن (یک نفر)	أَنْصُرِي	أَنْصُرْ	مفرد	مخاطب
یاری کنید (شما دو نفر)	أَنْصُرَا	أَنْصُرَا	مثنی	
یاری کنید (شما چند نفر)	أَنْصُرْنَ	أَنْصُرُوا	جمع	



## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۹/۲۶).

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَىٰ اللَّهِ (۴۷/۳۴).

وَإِنْ تَظَاهَرَا<sup>(۱)</sup> عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(۲)</sup>

وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرًا<sup>(۳)</sup> (۴/۶۶).

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ (۴۹/۲۹).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - برای تشکیل «امر به صیغه» افعال «تَذَهَّبُ» و «تَطَهَّرُ» را نوشته و

ترجمه و معنی آنها را مقابلشان بنویسید.

۴ - ۵ - ساختار ششگانه «امر به صیغه» افعال «تَذَهَّبُ» و «تَطَهَّرُ» را نوشته و

ترجمه و معنی آنها را مقابلشان بنویسید.

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «ویژگی‌های امام از نظر قرآن» چه فهمیدید؟

به صورت فشرده در چند سطر بنویسید.

۱. تَظَاهَرَا عَلَيْهِ: و اگر شما دو نفر بر ضد او (پیامبر) دست به دست هم دهید.

۲. صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ: شایسته از مؤمنان (حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ).

۳. ظَهِيرًا: پشتیبان.



## درس پانزدهم

### (آیات فضائل)

۱ - معانی کلمات زیر را به خاطر بسپارید تا به راحتی بتوانید آیات و عبارات درس را ترجمه نمایید.

معنا	لغت	معنا	لغت
جاودانه، همیشگی	عَدَن	همیشه	أَبَد
دروغ‌گویان	كَذِبِينَ	طلب کرد، طلب شدید	إِبْتِغَاء
جام، کاسه	كَأْس	نیکان	أَبْرَار
عطر خوش بو	كَافُور	نیکان	بَرِيَّة
نفرین، دوری از رحمت الهی	لَعْنَت	(جمع: ابن) فرزندان	أَبْنَاء
رضایت، خشنودی	مَرْضَات	(اسم اشاره) آنان، آنها	أُولَئِكَ
ترکیب	مِزَاج	جاری می‌شود	تَجْرِي
تقای نفرین و هلاکت می‌کنیم	نَبْتَهُل	زیر	تَحْت
فرا بخوانیم، دعوت کنیم	نَدْعُ	بیاید	تَعَالُوا
زنان	نِسَاء	بحث و مجادله کرد	حَاجَّ
می‌نوشتند	يَشْرِبُونَ	جاودانه، ماندگار	خَالِدِينَ
می‌فروشد	يَشْرِي	بترسد	خَشِيَ



۲ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید.

۱. فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ  
أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ  
فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۶۱/۳).

۲. إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُ هُمْ  
عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸۱/۷-۸).

۳. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَعُوفٌ  
بِالْعِبَادِ (۲۰۷/۲).

۴. إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرِبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵۰/۷۵).

۵. أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ  
الْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ<sup>(۱)</sup> (۲۰/۸).

۶. وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ (۷۳/۲۱).

۱. سقاية الحاج: سیراب کردن حاجیان؛ عمارة المسجد الحرام: آباد کردن مسجد الحرام؛ لا

يستونون: مساوی نمی باشند.

## ۳ - آشنایی با اصول عقائد

## (آیات فضائل)

در این درس به سراغ آیاتی از قرآن مجید رفته‌ایم که مستقیماً مسأله خلافت و ولایت را بازگو نمی‌کند، ولی فضیلتی بزرگ از حضرت علی علیه السلام را دربرگرفته است و مجموعه آنها می‌تواند زوایای این مسأله را برای کسانی که در متن جریان قرار نگرفته‌اند روشن سازد و در مجموع نشان دهد که حساب حضرت علی علیه السلام از دیگران کاملاً جدا است، و با وجود کسی مثل او در میان امت اسلامی، نوبت امامت و خلافت به دیگران نمی‌رسد.

به عبارت دیگر: با انضمام یک مقدمه عقلی روشن می‌توان مسأله امامت و خلافت را از آن نتیجه گرفت و آن اینکه هرگز خداوند حکیم، «مفضول» را حاکم و رهبر «أفضل» نخواهد کرد، حتی در میان عقلای جهان هر کس مرتکب چنین کاری شود او را ملامت و سرزنش می‌کنند و کار او را نشانه عدم تدبیر و ضعف مدیریت او می‌شمارند، چرا که فرد برتر از تابع فرد پایین‌تر کرده است.

این آیات بسیار وسیع و گسترده است تا آنجا که بعضی از دانشمندان، کتاب مستقلی درباره این مسأله نگاشته‌اند ولی ما از میان آنها، آیاتی را برگزیده‌ایم که مفاهیم روشن‌تری دارد و در منابع معروف اهل سنت نیز آمده است.

برای اطلاع بیشتر به کتاب پیام قرآن، جلد نهم، نوشته حضرت الله مکارم شیرازی، مراجعه فرمایید.

آیه اول «آیه مباهله» می‌باشد، در رابطه با شأن نزول آن آمده است: وقتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با لجاجت علمای مسیحی مواجه شد، به دستور خداوند، پیشنهاد مباهله دادند، تا راستگو از دروغگو شناخته شود و افرادی که در این مباهله با پیامبر بودند، امام حسن و حسین (آبنائا) و حضرت زهرا (نسائنا) و حضرت علی (أنفسنا) علیه السلام بودند؛



آیه دوم «آیه خیر البریه» می‌باشد، در این آیه خداوند، بهترین مخلوقات خود را معرفی کرده است، هرچند مفهوم آیه وسیع و گسترده است و منحصر به شخص یا اشخاص معینی نمی‌باشد، ولی در روایات متعدد اسلامی که در منابع حدیث اهل سنت و شیعه آمده، پیامبر گرامی اسلام ﷺ (خیر البریه) را حضرت علی علیه السلام و شیعیان او معرفی نموده که رستگاران در روز قیامت می‌باشند؛ آیه سوم (آیه کَلِیْلَةُ الْمَبِیْتِ) می‌باشد، در شأن حضرت علی علیه السلام وارد شده که در شب هجرت، در بستر پیامبر ﷺ خوابید و جان او را بر جان خودش مقدم شمرد؛

آیه چهارم (آیه اَبْرَارِ) می‌باشد که درباره گروهی به عنوان «اَبْرَار» سخن می‌گوید در روایات متعدد معروف اسلامی، شأن نزول و مصداق اکمل ابرار را، حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می‌باشند.

آیه پنجم (آیه سِقَایَةُ الْحَاجِّ) می‌باشد که بر اساس روایات متعددی که از اهل سنت وارد شده، مراد از «جاهد فی سبیل الله» در این آیه، حضرت علی علیه السلام می‌باشد.

آیات بسیار دیگری نیز در شأن حضرت علی علیه السلام که در کتاب پیام قرآن آمده است، علاقمندان به آن کتاب مراجعه فرمایند.

#### ۴ - آشنایی با زبان قرآن

##### «اسم فاعل و مفعول»

«اسم فاعل»: اسمی است که بر کننده کار یا دارنده صفت یا حالتی دلالت می‌کند؛ مانند: «ناصر» یاری کننده — «کاتب» نویسنده.

اسم فاعل فعل‌هایی که ماضی غایب مفرد آنها سه حرفی است، بر وزن «فاعل» می‌آید، یعنی: به حروف اصلی (ریشه) کلمه، «ا» اضافه می‌شود، مانند:

نَصَرَ - نَاصِر      کَتَبَ - کَاتِب

«اسم مفعول» اسمی است که دلالت می‌کند بر کسی یا چیزی که کاری بر روی آن انجام شده باشد؛ مانند:

«مَنْصُور» یاری شده «مَكْتُوب» نوشته شده

اسم مفعول فعل‌هایی که ماضی غایب مفرد آنها سه حرفی است، بر وزن «مفعول» می‌آید، یعنی: حروف اصلی (ریشه) کلمه، دو حرف «م» و «و» افزوده می‌شود؛ مانند:

نَصَرَ - مَنْصُور      كَتَبَ - مَكْتُوب

چند نکته:

- ۱ - هر یک از اسم فاعل و مفعول دارای شش صیغه می‌باشند؛
- ۲ - اسم فاعل و مفعول مؤنث، با افزودن «ة» به آخر آنها ساخته می‌شود؛
- ۳ - اسم فاعل و مفعول مذکر با «ونَ - ینَ» و مؤنث با «ات» جمع بسته می‌شوند.

### صیغه‌های اسم فاعل و مفعول از فعل «نَصَرَ»

معنا	مؤنث	مذکر	لفظ یا صیغه	
			اسم	فاعل
یاری کرد (آن يك نفر)	نَاصِرَةٌ	نَاصِرٌ	مفرد	اسم فاعل
یاری کردند (آن دو نفر)	نَاصِرَاتٍ	نَاصِرَانِ	مُثَنِّي	
یاری کردند (آن چند نفر)	نَاصِرَاتٌ	نَاصِرُونَ	جمع	
یاری شد (آن يك نفر)	مَنْصُورَةٌ	مَنْصُورٌ	مفرد	اسم مفعول
یاری شدند (آن دو نفر)	مَنْصُورَاتٍ	مَنْصُورَانِ	مُثَنِّي	
یاری شدند (آن چند نفر)	مَنْصُورُونَ	مَنْصُورُونَ	جمع	

یادسپاری: اسم فاعل و مفعول در غیر ثلاثی مجرد، با قرار دادن «میم مضموم» به جای حرف مضارعه ساخته می‌شود، با این فرق که در اسم فاعل، حرف ماقبل «مکسور» و در اسم مفعول حرف ماقبل «مفتوح» می‌باشد؛ مانند:

عَلَّمَ - يُعَلِّمُ - مُعَلِّمٌ (تعلیم دهند) مُعَلَّمٌ (تعلیم داده شده)

أَحْسَنَ - يُحْسِنُ - مُحْسِنٌ (احسان کننده) مُحْسَنٌ (احسان شده).



## ۵ - آشنایی با قرآن در منزل

۱ - ۵ - آیات و عبارات زیر را قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید.

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ (۷۱/۱۷).

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا<sup>(۱)</sup>.  
 الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ  
 عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۴/۲).  
 لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ  
 مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ (۱۶۲/۴).

۲ - ۵ - دو صفحه از قرآن را با دقت و به صورت شمرده بخوانید، در هنگام

قرائت به معانی کلماتی که به ذهن سپرده‌اید، توجه فرمایید.

۳ - ۵ - برای تشکیل «اسم فاعل و اسم مفعول» از افعال ثلاثی مجرد، چه

مراحلی را طی می‌نماییم؟ با ذکر مثال

۴ - ۵ - برای تشکیل «اسم فاعل و اسم مفعول» از افعال غیرثلاثی مجرد، چه

مراحلی را طی می‌نماییم؟ با ذکر مثال

۵ - ۵ - از معانی آیات مربوط به «آیات فضائل» چه فهمیدید؟ به صورت

فشرده در چند سطر بنویسید.

الحمد لله با شیوه آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم، آشنا شدید، برای آشنایی بیشتر، قرآنی با ترجمه فارسی<sup>(۱)</sup> را تهیه نمایید و روزی یک صفحه از قرآن را با دقت قرائت نموده و سپس ترجمه نمایید، اگر با لغت جدیدی برخورد کردید، در دفتری نوشته و ترجمه آن را نیز مقابلش بنویسید، و با تکرار؛ آن را در ذهن خود جای دهید. خواهید دید ظرف چند هفته با ترجمه و معنای بیشتر آیات قرآن کریم، آشنا هستید.

اگر در کنار آشنایی با ترجمه، کتاب‌های صرف و نحو مقدماتی را نیز تهیه نمایید و هر روز با یکی از ساختارهای افعال و اسامی عربی آشنا شوید، خواهید دید ظرف چند هفته می‌توانید با آشنایی با معنای هر کلمه، ده‌ها کلمه دیگر را بسازید و بدون مراجعه به کتاب‌های لغت به راحتی معنا خواهید کرد.

با آرزوی توفیق

قم - شیخ علی حبیبی

---

۱. پیشنهاد می‌شود، قرآن با ترجمه آقای مهدی محمودیان که با همکاری واحد پژوهش بیت القرآن امام علی علیه السلام قم نوشته شده، تهیه نمایید، چرا که اضافه بر ترجمه روان، تک تک لغات را نیز جداگانه ترجمه نموده است.



## فهرست مطالب

۵.....	پیش‌گفتار.....
۷.....	سخنی با قرآن آموزان.....
۹.....	درس اول: خداشناسی (توحید).....
۱۵.....	درس دوم: خداشناسی (ادله توحید).....
۲۱.....	درس سوم: خداشناسی (صفات خداوند).....
۲۶.....	درس چهارم: خداشناسی (صفات خداوند).....
۳۱.....	درس پنجم: خداشناسی (عدل).....
۳۶.....	درس ششم: معاد روز قیامت.....
۴۲.....	درس هفتم: اسامی روز قیامت.....
۴۸.....	درس هشتم: دلایل اثبات معاد.....
۵۴.....	درس نهم: ضرورت بعثت انبیاء.....
۶۰.....	درس دهم: راه‌های شناخت پیامبران.....
۶۵.....	درس یازدهم: دلایل نبوت پیامبر اسلام ﷺ.....
۷۱.....	درس دوازدهم: خاتمیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ.....
۷۷.....	درس سیزدهم: امامت.....
۸۳.....	درس چهاردهم: ویژگی‌های امام از نظر قرآن.....
۸۹.....	درس پانزدهم: (آیات فضائل).....